

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

۷۱

پیکار

صفحه ۱۶ سال دوم - دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ بها ۲۰۰ ریال

۱۷ شهریور:
نقطه عطفی در
انقلاب دمکراتیک
و ضد امپریالیستی
خلقهای ایران

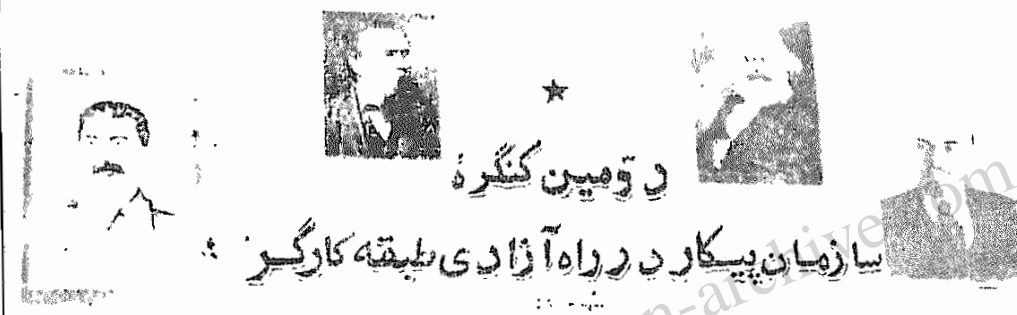
گرامی باد
خاطره
شهدای
جمعه
سیاه



از تش دست پرورده امپریالیسم آمریکا، بیروز
در میدان شهدا خون خلق ما را بر زمین ریخت
و امروز در کردستان و ...

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دومین کنگره سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که با دستاورد های بزرگی همراه بود، با موفقیت برگزار گردید



دومین کنگره

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دومین کنگره عادی سازمانی که در مدتی قبل کار خود را شروع کرده بود هفتاد و یک نفر با موفقیت به کار خود پایان داد. در این کنگره اساسی ترین مسائل اندوژنیورک - سیاسی - سوسیالیستی مورد بررسی و محاسب قرار گرفت و برای مبارزه اندوژنیورک لازم در راه آزادی تصمیم گیری و قطعنامه صادر گردید. کنگره در میان کار خود مرکزیت جدید سازمان را که عهده دار رهبری سازمان تا کنگره بعدی می باشد انتخاب نمود. مسائلی که در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در راه آزادی قطعنامه صادر گردید شرح زیر است:

- ۱ - ارزیابی اوضاع و احوال ایران و کمیسیتهای جهانی و محلی کمیسیتهای ایران و انعکاس آن در سازمان.
 - ۲ - ساختار سازمان و طرحها و فعالیتها.
 - ۳ - ارزیابی سیاسی ایران و کمیسیتهای جهانی و محلی.
 - ۴ - مسئله وحدت بین کمیسیتهای ایران.
 - ۵ - روبرویی با سیستم و سیاست امپریالیسم شوروی.
 - ۶ - امر تبلیغ و روح.
 - ۷ - اساسنامه سازمانی.
 - ۸ - درباره سازمانهای سوده ای م.ل.
 - ۹ - معارضات و سیاسی تاکتیکی.
 - ۱۰ - حسن کارگری و وظائف مادران آن.
-
تعداد در صفحه ۸

امپریالیسم آمریکا
باز هم در فکر
کودتاست

صفحه ۲

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس
آن در نیروهای سیاسی ایران

• نگاهی به موضعگیری روبرو با سرمایه و نیروهای کمونسیت
در برخورد به حوادث اخیر لهستان

صفحه ۱۴

اخباری از کردستان،
سرزمین حماسه ها

صفحه ۵

کانون
شوراهای اسلامی
پلی تکنیک
و ایشناسیم

صفحه ۳

هدیه ارزنیست به
یک ترور نافرجام
در تبریز

صفحه ۴

در صفحات دیگر این شماره:

- عیاش احمد با رفقا حسن روحانی و قرآن حبس سیاسی ایران
- شناس با آیت الله خمینی در نجف طی (البته ۲۹ تا ۵۳) (۲) صفحه ۱۰
- نگاهی به ساختار تلویزیونی مسئولین و ارتباط کار با نمایندگان گروهی ارتاکران در باره لغو سود و بهره (۲) صفحه ۱۳
- ۳۰ میلیون تومان برای اهل، برای فلسطین همج! صفحه ۱۶
- خاطرات یک سرباز (۲) صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

امپریالیسم آمریکا با زهم در فکر کودتاست

(چه از نظر نفوذ و منافع اقتصادی و چه از نظر موقعیت سیاسی اسراییل و نیز تا شریک و دشمن کننده‌ای که ایران در مناسبات امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی و ژاپنی اش با سوسیال امپریالیسم شوروی میگردارد، کودتای شکست خورده تیرماه آخرین کودتای نبوده و نینبوه‌ای کمونیستی و انقلابی و تاحتمای زحمت - کشان و طبقه کارگر باستانی اما دگر لازم را کسب کنند تا در برابر کودتای آتی امپریالیسم آمریکا در ایران (که احتمال آن وجود دارد) به مقابله برخیزند. مخصوصاً آنکه سرکوب فاشیستی زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و دریک کلام سرکوب انقلاب هدف اصلی و اساسی امپریالیسم آمریکا از آنجا کودتای - باشد و اگر در این راه رژیم جمهوری اسلامی هم مورد تهاجم واقع میشود، همانطور که قبلاً گفتیم، بخاطر این است که رژیم میبویرون قوتوانا شی لازم برای سرکوب جنبش اعتلای فتنه خلق و بازسازی نظام است شمارگراشه سزما بیداری و استقامت آمریکا میباید. البته سرکونی رژیم جمهوری اسلامی ایران، از نظر آمریکا، الزاماً معنی جابجینی آن با یک رژیم نظامی با غیر نظامی آشکارا عامل آمریکا نیست، بلکه این رژیم می تواند حتی ظاهری "ملی" داشته باشد، اما آنچه که مسلم است این است که رژیم کنونی با ترکیب فعلی، مورد دلخواه امپریالیسم آمریکا نیست و آمریکا خواهان یک قدرت متمرکز بورژوازی در قدرت سیاسی است. در مقابل مسئله کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا در ایران، عکس العمل های گوناگونی از جانب نیروهای مختلف بورژوازی دگر در - بورژوازی (با استثنای بخشی از بورژوازی تجاری سا زار) و نیز بخشی از خرده بورژوازی مرفه سنتی از کودتای جانسپاری خواهند کرد. ۲ - خرده بورژوازی مرفه سنتی همراه با بخشی از بورژوازی تجاری با زار، از موضع دفاع از ارتجاع حاکم ایران در مقابل کودتای امپریالیستی جبهه خواهد گرفت. ۳ - طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و در پیشانی آنها، سازمانهای سیاسی طرفدار آنها، از موضع دفاع از انقلاب و منافع خلق به مقابله با کودتای امپریالیستی اقدام خواهند نمود.

رژیم نشیب میشود و نظام سرمایه داری وابسته که دچار ضربات سنگینی در جریان قیام شده بود، سرمان میباید و در عین حال خرده بورژوازی مرفه تر بسک در قدرت نصیب میگردد و نوده های خلق و سروهای انقلابی و کمونیست سرکوب میشوند و جای امپریالیسم آمریکا بجز چون گذشته کاملاً مستحکم میگردد. اما رسد و اعتلای جنبش خلق مانع از آن شد که محاسبات امپریالیسم آمریکا درست از آب در نیاید. آمریکا به وضوح نا توانی و عجز رژیم را در سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست، کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری و خلق بیشتر میداند و میبویرون روز به روز بر هاش از قدرت گرفتن جنبش آمریکا در معادلاتش در نظر میگیرد، زسار شدن نیروهای انقلابی و جنبش خلق و قدرت گیری آنها، بخاطر افتادن جدی منافع آمریکا و دیگر امپریالیست ها را در نظر میباید. بیویرون آنکه در این جنبش، طبقه کارگر از کیفیت و کمیت قابل توجه و تعیین کننده ای برخوردار نباشد. آمریکا، همچنین، با تضعیف امپریالیسم در هشتاد و یک سال گذشته، یعنی "لیبرالها" نیز میبویرون در مقابل مشاهده میگردد که بورژوازی تجاری با زار خرده بورژوازی مرفه سنتی دا شت تقویت میشود. این روند یعنی روند رشد منازات خلق و نیروهای کمونیست و انقلابی، تضعیف رژیم بطور عام و "لیبرالها" بطور خاص، آمریکا را بر آن دا شت که در محاسبات خود تجدید نظر کند. بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا ضمن حفظ سیاست عمومی خویش در قبال ایران، یعنی حمایت از رژیم در برابر خلق و بیشتیبانی از "لیبرالها" در مقابل خرده بورژوازی مرفه سنتی، برای عوامل مستقیم خود نیز که اکنون بدلیل سیاست ها و عملگردهای رژیم جمهوری اسلامی از پایه بنسخت و وسیعی (و در فاسیسا زمان قیام) برخوردار شده بودند، محاسبات تازه ای باز کرد و بدینسان، امپریالیسم را در محاسبات خود با ایران وارد نمود. با گذشت زمان و رشد جنبش و مشاهده ضعف رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب خلق و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا، مسئله کودتا را مورد توجه بیشتری قرار داد. چرا که بیروشنی میدیدند لیکن به رژیم جمهوری اسلامی بیچوده است. این رژیم علیرغم خواستش نا توان از سرکوب سازمان یا فتنه خلق و ترس منظم سرمایه داری وابسته میباید. "لیبرالها" ضعیف هستند و خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی تجاری با زار هم با وجود وسیعیت و بیروشنی خاص خود در سرکوب خلق، که نمونه هایش را در مقابل نیروهای انقلابی و کمونیست، کارگران و زحمتکشان و بیویرون خلقها و خصوصاً خلق کرده شده ایم، قادر بیایفا چینی نقشی نیستند. با نتیجه گیری و جمع بندی از جنبش مسائل اساسی است که ما می بینیم امپریالیسم آمریکا کودتای اخیراً بنسخت عوامل مستقیم خود در ایران برنامهمه ریزی میکند تا نظم مورد دلخواه خویش را در ایران برپا سازد. بدین لحاظ، و لحاظ اهمیت حاسنی ایران برای امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های غربی و ژاپنی

آکون، مرفه دوسال از قیام شکوهمند بیمن ماه ۵۷ و همی مدتها ز عمر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، با استحال هنوز این رژیم موفق نشده است از یک استقرار و ثبات قابل اتکا بهره مند شود. در حال حاضر، با توجه به رشد جنبش انقلابی در جامعه، روز به روز جنبه انقلاب، مشتمل بر کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری نسوی مفاصلی مستقل خویش گام بر میباید. جبهه انقلاب از یک موضع انقلابی مخالف جمهوری اسلامی و خواهان برقراری یک نظام نوین مبتنی بر دیکراسی توده ای و قطع سلطه امپریالیسمی و نابودی سرمایه داری وابسته است. البته هم اکنون، بخش مهمی از نیروهای انقلاب، بدلیل توهم و نا آگاهی ثلث نسبت به ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی بدینال آن رژیم ضد خلقی است. ولی اسدینا له روی زبا بد طول نخواهد آمد. در محال جبهه انقلاب، جبهه ضد انقلاب قرار دارد که کل بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی در آن حاو دارد. جبهه ضد انقلاب خود بده و بخش تقسیم میشود. بخش اول که حامی اروپا قرض رژیم جمهوری مرفه است که اصلی آن است، یعنی خرده بورژوازی مرفه آتی و بورژوازی تجاری سا زار و بخش دوم که از موضع ارتجاعی مخالف این رژیم است و خواهان استقرار رژیمی کمابیش مشابه با نظام ما مشاهده میشود اینها که همان بورژوازی وابسته ایران و لیبرالها میباشند. چشم میدشان راه امپریالیسم آمریکا دوخته اند تا بلکه ستوان رژیم بدلخواهشان را در ایران بر سر کار آورند. میدانیسم که در بیمن ماه ۵۷ و علیرغم کوشش های آمریکا و بورژوازی کمپرا دور از یک طرف و بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی از طرف دیگر، برای سازش و حفظ نظام سرمایه داری وابسته از ضربات خلق بدلیل قیام توده ها این سازش به در این سطح بلکه در مسدود دیگری صورت گرفت. بدین معنی که پس از قیام، بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی از موضع برتری نسبت به امپریالیسم قبل از قیام برخوردار شدند و در جنبش حالتی با آمریکا و بورژوازی کمپرا دور که از قیام مفرجه دیده بودند به مسا له مسا زش پیدا خندند. این میان، این بورژوازی متوسط بود که رهبری خرده بورژوازی مرفه سنتی را در این سازش و محاسبات با امپریالیسم بعهده داشت. و این خرده بورژوازی مرفه سنتی بود که با طبع خاطر بدینال بورژوازی متوسط حرکت میکرد، اما تا شیرات قیام مرفه سنتی آمریکا و بورژوازی کمپرا دور و نیز بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی مانع از آن شد که امپریالیسم آمریکا مناسبات خود را با حکومت جدید ایران بر پایه زور و قهر قرار دهد. و در واقع با توجه به ماهیت رژیم حاکم لزومی بدین امر نمیدید. بنابراین از همان فردای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی، آمریکا سعی خود را بر این قرار داد که در درون حکومت از بورژوازی "لیبرال" در مقابل خرده بورژوازی مرفه سنتی حمایت کند و در سطح جامعه از کل رژیم جمهوری اسلامی در مقابل نیروهای انقلابی و زحمتکشان دفاع نماید و این رژیم را در سرکوب آنها با ری دهد. بیمن دلیل است که مدت کوتاهی پس از قیام مشاهده میکنیم که امپریالیسم آمریکا مقدار ۲/۵ میلیارد دلار سلطه قبل از رژیم ما شاه برای آن شاه خت شده بود. تحویل دولت با زرگان میدهد. تحلیل آمریکا این بود که با جنبش سیاسی "لیبرالها" تقویت میشوند،

در رابطه با کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا در ایران، دیدگاهها و بیرخوردهای نیروهای سیاسی موجود در جامعه، بطور عمده به سه نوع تقسیم می شود:

۱- دیدگاه اول یک تکرش کاملاً چاپ روانه و انحرافی است که خطر کودتای امپریالیستی را نادیده میگیرد و تنها رژیم جمهوری اسلامی را ستوان دشمن روسا روی و با لفظ بیرولتا ربا و زحمتکشان میبیند. این دیدگاهها تحریف و اقیامت و با کتمان کردن نقش امپریالیسم و عوامل مستقیمش در ایران -

بقیه در صفحه ۷

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکردند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویونیستها از او بیدریغ حمایت میکردند

جنبش کارگری



خبرهای کوتاه کارگری

کارخانه کف کار-

کارگران مبارز کف کار، سه تن از اعضای انجمن اسلامی را از کارخانه بیرون انداختند.

بدنبال اخراج ۶ تن از کارگران مبارز کف کار - کار رودستگیری ۲ تن از آنها، اعلامیه‌ای از طرف انجمن اسلامی کارخانه منتشر و در آن گفته می‌شود که کارگران کف کار را به نفع و منافع انقلابی را از کارخانه بیرون کرده‌اند و از آن پس تولید با لایه‌ها رفته است. با پخش این اعلامیه خشم کارگران کف کار را برافروخته شده و سه تن از اعضای انجمن اسلامی را از کارخانه بیرون می‌اندازند و اعلام می‌کنند که انجمن اسلامی نمی‌خواهد!

کارگاه دوزندگی قاف حام-

کارگران مبارز قاف حام، کارفرمای خود را گروگان گرفتند بدنبال چندین ماه مبارزه کارگران دوزندگی قاف حام واقع در شمیران، نوحان قانع کارفرمای زالو - مفت که متوجه شده بود، کارگران در خلال مبارزات خود بیش از پیش آگام شده‌اند و به پیچیده‌تر شدن اوضاع و بحران خود می‌نگرند تصمیم می‌گیرند کارگاه را ببندند و این برود می‌گردد و لایه (پارچه) نمی‌خورد و سبک‌ساز تولیدات کارگاه را خارج نماید و سپس آنرا تعطیل کند کارگران که متوجه حیل کارفرما شده بودند در خلال چند ماه مبارزه شان از وزارت کار نیز (جزا خارج یکی از نمایندگان) چیزی عایدشان نشده بود، روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ وقتی کارفرما برای بردن تولیدات کارگاه مراجعه می‌کند اعلام می‌کنند که تا زمانیکه تکلیف مواد اولیه روشن نشود حق ندارد کارگاه را بیرون ببرد. کارفرما تا ساعت ۴/۵ آن روز تا گزیرد کارگاه می‌ماند و عمر یکی از عواملش از بیرون به کلانتری خبر می‌دهد. بدنبال این تلفن مأموران کلانتری به کارگاه آمده و پس از پراخ شدن خبر کارگران کارفرما را با خود می‌برند. کارگران به عنوان اعتراض به کلانتری مراجعه می‌کنند، اما در آنجا با ردیگری پلیس را پشت سر کارفرما ورود در وی خود می‌بینند. آنها پس تصمیم دادند مبارزه کلانتری را ترک می‌کنند.

کارخانه سپید رود-

باردیگر کارگری زحمتکش قربانی منافع کثیف سرمایه داران شد. کارخانه سپید رود - روز سه شنبه ۵۹/۵/۱۸ در شرکت سپید رود کارگری هم سرویس سوله دستگا همسایه خورده شده و وجود تلاش دوستان برای احیای دستگا و جسد شده و او را تحویل داد. علت آن آنست بود که قبلا تعدادی را بنده که روی کمپین کارگری و مهارت داشتند، با یکدیگر گرفته و حواها را با قهقهه ستم‌داری - شوب، کارفرما ابتدا با روزی ۴ تومان اضافه حقوق موافقت می‌کند اما پس از یک ماه آن را قطع می‌کند و در مقابل اعتراض را سدگان مذکور آنها را به ستم

نهمه در صفحه ۴

کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک را بشناسیم

برای سوار شدن بر موج جنبش و گرفتن امتیاز است. بنابراین افشای کارگری آنها تا حدی است که رهبری جریان از دستشان خارج کرده.

چونگی برخورد کرد اندگان کانون در مقابل اعتراضات کارگران خود می‌توانند ما هیت ضد کارگری آنها را نشان دهد. کانون شوراهای اسلامی درگذرد - همایشی روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ در وزارت کار که به منظور اعتراض به لغو سود ویژه تشکیل شده بود، توانست با استفاده از فشاری که اعتراضات و مبارزات کارگران بخاطر تصویب این قانون ضد کارگری به وزارت کار و رژیم وارد می‌کرد، امتیاز فرستادن ۳۰ نفر نماینده به کمیسیونهای مختلف تدوین قانون کار در وزارت کار را بگیرد. این کانون اعلام کرده است که پس از ۲۰ نفر (۱۰ نفر از تهران و ۱۰ نفر از شهرستانها) نمایندگان کارگران سرسرا بران هستند. بدیهی است که این نمایندگان نمیتوانند آزادانه عمل کنند و باید بلندگوی کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک در وزارت کار باشند. جندی پیش نمایندگان حدود ۵۰ کارخانه که در کانون شوراهای کارگری تهرانی در رابطه با لغو سود ویژه کرده‌اند می‌بودند، سدرسی معرفی ۲۰ نفر نماینده از طرف کانون شوراهای پلی تکنیک را قرار است بعنوان نمایندگان کارگران سرسرا بران در تدوین قانون کار شرکت کنند (محکوم کرده و خواستار تشکیل مجمعی از نمایندگان واقعی کارگران ایران برای تدوین قانون کار شدند.

بکوشیم تشکیلات زرد کارگری را افشا و طرد کنیم. (م) - چند ساعت پس از این جلسه، بدعوت کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک، یک گروهی تشکیل می - شود که وزیر کار هم در آن شرکت داشته است.

کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان همچنان می‌بازند

۱۲۰۰ کارگر شهرداری که بدستور مقامات مسئول جمهوری اسلامی به میان می‌بندند تا شش پوله چند هفته‌ای است متناوباً اخراج شده‌اند، بهت سفاقت و زده‌وار دو هفته پیش در محل شهرداری به نفع نشسته‌اند تلاشهای مدیو حانه را با ج برای برهم زدن سخن و شکست مقامات کارگران مبارز را برای سرسده و مبارزه آنها برای سرگشت به سرکار همچنان ادامه دارد.

کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) یکی از تشکیلات زرد کارگری است که وابسته به جناح بنی صدر می‌باشد. این کانون درگیریهای زیادی با کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات (خانه کارگر) که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است دارد. هر سورد کانون سعی می‌کند با بدست گرفتن رهبری مبارزات کارگران، گذشته از به اشرف و سازش کشاندن آن، از آن در جهت خواسته‌های خود استفاده کنند. این است که افشای هر دو تشکیلات ضد کارگری مذکور ضرورت مبرم دارد. در جلسه روز چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵ کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) که در کارخانه لیلاند می‌تواند تشکیل شده بود، گردانندگان این کانون اعلام کردند: "صبح روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ (م) در وزارت کار با شرکت مدیران کارخانه‌های دولتی و خصوصی در حضور وزیر کار تشکیل شده بود که پس از بحثهای طولانی در مورد زیربنا توافق رسیدند: ۱- مرخصی سالانه کارگران نباید از ۲۰ روز بیشتر باشد. ۲- ساعت کار کارگران نباید از ۴۴ ساعت در هفته کمتر باشد. ۳- افزایش دستمزد کارگران به پیچیده‌تر شدن اوضاع و تعیین شده توسط وزارت کار را بیشتر باشد. ۴- بعد از ماه رمضان دستور آنها باید در کارخانه‌ها برچیده شود و دیگر کارها را به کارگران داده نشود و ساعت کار بیشتر باشد. ۵- شوراهای جدید بر اساس آئین نامه شوراهای (مصوبه شورای انقلاب) تشکیل شود. ۶- تمام کارخانه‌ها موظفند ۵٪ پرسنل خود را از طریق وزارت کار استخدام نمایند. ۷- ...

اینکه کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) به اصطلاح وزارت کار را افشا می‌کند بخاطر این است که میخواهد در مقابل موج جنبش و جگر بسته کارگران خود را بشوید، و مساز جلوه دهد تا شاید بتواند بر آن سوار شود و از آن در جهت خواسته‌های خود استفاده نماید. جانب اینجاست که در همان جلسه، بدنبال اظهارات گردانندگان کانون دربارهم واردی که حسین وزیر کار و مدیران کارخانه‌ها توافق شده است، کارگران به شدت اعتراض می‌کنند. در مقابل موج اعتراضات کارگران، گردانندگان کانون فریبکارانه اعلام می - کنند که: "مغلا معلوم نیست ما را در باره لا را وزارت کار قبول کرده باشد، شاید اینها پیشنهادات مدیران باشد." هما نظور که قبلا گفتیم افشای سطلی آنها در اینجا و آنجا از موضعی افشایی نیست، افشای آنها

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلق ها و مسئله ملی



با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز (۲)

در شماره قبیل پیکار در قسمت اول خاطرات یک سرباز از زبجه جنگ کردستان خواندید که از یک ستون ششصد نفری که برای جنگ به کردستان اعزام شده بودند ننیا دو بیست نفر به با دگان با زکشت هم - چنین خواندید که بسیاری از آنها که به کردستان اعزام میشدند تا در جنگ برادر کشی شرکت جویند از همان ابتدا و با درآ ولین بر خورد ها با خلق دلاور کرد به بیهودگی هدفی که بسوی آن برده می- شوندد پی میبرند. آنها درمی یا بند که به جنگ با خلق قهرمانی اعزام شده اند که برای بدست آوردن خواستهای عادلانه و برحق خود، جان برکف به مبارزه بر- خاسته است.

در این شماره قسمت دوم این خاطرات را ملاحظه میکنید.

در تدارک یورش به کردستان

چهارشنبه ۲۵ فروردین
پنج شنبه ۲۱ فروردین
جمعه ۲۲ فروردین

در این سه روز اتفاق خاصی روی نداد. جز آنکه روز چهارشنبه با یک جوان سندی که دیدیلمه بود آشنا شدم. وقتی به او گفتم که برای جنگ به کردستان با بد بروم، نگاهش را طور غریبی من سه دوست ویرسید؛ حالا چه می کنی؟ گفتم: تا ببینم شرایط چه سببی می آورد، بتلخی خندید و گفتم: معلوم است که شرایط چیست با بد ز همین حالا فکر کردو... ناگهان حرفش را نیمه کاره گذاشت و در حالی که با چشمانش بر فرورگ اس به من مینگریست، با لحن ملتهب به سگبار ویرسید: آیارگز یک پیشمرگ دیده ای؟... آسمن را صدا کردند و او بدون آنکه منتظر جواب من بشود از من دور شد. دیگران را ندیدم. اما فرورگ چشمانش را انتها به صدایش هنوز با من است.

روز جمعه برای گردش به غلبای ا طراف شهر رفتیم. با دوبا غسان اهل سندی آشنا شدم که چهره ها شای سردها زرنج

داده شده که از با دگان بیرون برویم. با دگان در جنب و جوش خاصی بر می برد. برای جنگ آماده میشدند. ما شین - ها را به صف میکردند. کیسه های شن بر میکردند. ولی همه چیز تو خالی بود.

سه شنبه ۲۶ فروردین

امروز صبح برای دیدن تیمسار (معدوم) خزایی (معاونت نیرو) آماده میشویم. در ساعت ۱۱ صبح با تمام تجهیزات به خط قدیم و در میدان صبحگاه منتظر ایستادیم. فرمانده تیب سخنرانی را آغاز کرد. همه در سگوت کامل گوش میکردند و بنحویسخره ای مشتاق حرف میزد. از طرفی اصرا ردا شت به ما تفهیم کنند که به یک ماموریت عادی میرویم و از سوی دیگر میگفت که: با بد حوا ستان جمع باشد که به یک منطقه جنگی میرویم... سخت اصرا ر داشت به ما تلقین کنند که برای برقراری امنیت میرویم. لحش هم مثل حرفها بشی ساختگی بود بسوی دروغ میداد.

سعدا ز فرمانده تیب نوبت به معاونت نیرو رسید تا سخنرانی کند. این شخصی سعی داشت ما را تشویق کند: شما فرزندان من (!) از بهترین سربازان انتخاب شده اید، برای ما موریته بزرگ (!) و به این ترتیب فرمانده تیب را که اصرا ر داشت بگوید به ما موریته "عادی" می - رویم (نواد!) که ارتش برای اولین بار در منطقه اجرا میکند. شما با ستون سی مرکب از دهها کامیون، بطول ۱۶ کیلومتر حرکت میکنید.

(سخت مایل بود با حرفها بشی به ما احساس رزمی ببخشند!) نکاوران و گردان - های کامل پیدا ده و توپخانه همراه شما خواهد بود... در اینجا گوشتی از خوا ب بریده با دشنا گهان حرفش را پس گرفت: شما فقط برای تعویض یک لشکر که در یانه مستقر است میروید. نه برای چیز دیگر (با این همه تجهیزات!) و با همان لحن ادامه داد: آنها همه برادر ما هستند، اگر بیسن آنها کسی هست که با ما دشمنی دارد می- جنگد، عنصر خا رچی است. و بدون آنکه متوجه با شد که چگونه پشت سر هم، خود حرفهای قبلی اش را نقی میکند. با بی- سر می یک دروغگوی کم حافظه گفتم: اگر در شهر بچه ها (!) به شما سنگ برتا ب کردند خون سرد با شد! فقط حق جواب دادن به گلوله را دارید، بدینگونه او نفرت مردم را بر روشنی تصویر میکرد و پاک فرا موش کرده بود که چند لحظه پیش می - گفت: تنها چند عنصر خا رچی دشمن ما هستند. به لبهاش نگاه کردم و بخاطر آوردم که اینها در زمان شاه و در ارتش آمریکا شی وقت احت و دروغگویی را خوب آموخته اند.

بقیه در صفحه ۶

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان دمکرات، کومله و پیکار و سقوط يك هلیکوپتر

کامیاران ۵۹/۶/۱

ستونی (۱) که از تاریخ ۵۹/۵/۳۱ به منظور "با کما زی" حرکت کرده بود، شب در نزدیکی روستای "ماویان" مستقر میشود و در تاریخ ۵۹/۶/۱ دوباره حرکت کرده و در ابتدای مسیر خود روستا های "ماویان" "کوره دره"، "کلاته"، "تخته نگی"، "میر - سورآ و"، "جورسانه" را و حقیقتاً نه زیسر آتش خمپاره، توپ، راکت و گلوله میگرد. این ستون حتی قبه خانه های سررا را نیز در هم می کوبید.

ستون مذکور در نزدیکیهای ماویان و کوره دره با حمله پیشمرگان قهرمان کومله و دمکرات زیر ضربات سختی قرار میگيرد که در نتیجه آن یک تانک منهدم و ۲ نفر بر رویک ریوی ارتشی با آرمی جی منفجر میگردد. همچنین تعداد زیادی از جا شها، با سدا ران و عناصر رستی کشته و زخمی میشوند.

از صبح این روز هلی کوبترهای ارتش جمهوری اسلامی تمام منطقه را می- کوبند. در ضمن در درگیری مذکور از ایتوم نیز کمک گرفته میشود. پس از درگیری، ستون پیشروی کرده و بطرف روستای گشگی حرکت میکند. در این منطقه، پیشمرگه - های "پیکار" (دسته شهید) "میر" و دسته شهید "مسعود" که برای یاری رساندن به پیشمرگان کومله و دمکرات رفته و لسی نتوانسته بودند خودشان را به آنگسان برسانند در نزدیکی روستای "گشگی" (به علت مستقر شدن تا ننگها) در محاصره قرار میگيرند و از ساعت ۱ بعد از ظهر درگیری آغاز میشود.

پیشمرگان با پیکار با مقاومت قهرمانانه خود که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از جا شها و با سدا ران میشود حلقه محاصره را شکسته و عقب نشینی میکنند. بهنگام عقب نشینی، یک هلی کوبتر تکریمی جمهوری اسلامی که خیره سرانه خود را بر زمین نزدیک کرده بود تا فرزندان دلاور خلق را به رگبار گلوله نیندند، خود از رگبار گلوله - پیشمرگان پیکار گردانمان نماند و در نزدیکی

(۱) - ستون مذکور شامل ۱۵ تانک، ۹۰ ریو، ۴ جیب، ۲ اتومبیل سمرغ بود که ۳ هلی کوبتر و ۲ قانوشوم نیز آنسرا پشتیبانی میکردند.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

اخباری از کردستان، سوز زمین حماسه ها

● کامیاران ۵۹/۵/۲۴

مزدوران رژیم زیرحلات
بیشمرگان قهرمان

در این روز، یک ماشین رنجروور
حامل تعدادی ارتشی وحاش و با سواران
جاده کامیاران سنجج در نزدیکی
پایگاه "گاوشان" در کمین بیشمرگان
قهرمان کومله افتاد. در اثر رگبار
بیشمرگان ماشین از کار افتاد و حدود ۷
نفر مزدوران رژیم کشته شدند. بیش-
مرگان قهرمان بدون تلفات به پایگاه
خود بازگشتند.

● کامیاران ۵۹/۵/۲۶

۴ ساعت نبرد با شش گویه و سگت دشمن
در این تاریخ ۲ کامیون ارتشی
و یک ماشین سمخ حامل حاش و با سواران
و گاوران ارتشی که از منطقه روانسر تا کامیاران
بودند، در منطقه "الک" (حوالی کامیاران)
زیرحلات شجاعانه بیشمرگان جانشینان
کومله و میکرات را رگرفتند. این در -
گیری ارساعت ۹ شب آغاز شد و تا ساعت
۱ بامداد ادامه داشت در طول درگیری
دو تانک شریک کیم به مزدوران ضد-
خلق به محل رسیدند. طی این درگیری
بیشمرگان قهرمان با استفاده از سلاح
سبک و زوکار و آرمی حی تلفات فراوانی
به سروهای دشمن وارد کردند. طبق
گفته های منطقه ۲۵ الی ۳۰ نفر از
مزدوران کشته شدند. همچنین آسیبی به
بیشمرگان وارد شد و آنها توانستند یک
حصار ۶۰ متری، یک قبضه سرراژ ۳، یک
فتمه ۳ و چندین صاعقه کمری و تعدادی
میقات و یک ماشین سمخ از دشمن به
غنیمت گیرند.

● کامیاران ۵۹/۵/۲۷

ریوی ارتشی در کمین
بیشمرگان قهرمان بیگار

در ساعت ۷ صبح این روز یک ریوی
ارتشی در جاده کامیاران - سنجد در
نزدیکی تونل، به کمین بیشمرگان
قهرمان با زمان سکا را صادمورد
حمله شجاعانه بیشمرگان بیگار رگرتار
گرفت. بیشمرگان ارامن مسمی وارد
آوردن تلفاتی بر سر دشمنان ماشین
مذکور، عقب نشینی کرده و با تلفات
پایگاه خود برگشتند.

★ ★ ★

خارج شهر، فرودگاه سنجد، رگرتار
آری، ارسا سندان مسلح در مقابل
خلق برای مقاومت و پایداری. چهره های
مضم و برافروخته مردم رگرتار
سین جسمی آمد، ظلم بر ارسا بود.
به فرودگاه آمدیم و مسافر شدیم
سرایان همه را می بودند. حاشی
بودند پیروی کنند، سران را می گفتند:
اگر بخوان همه سون بروم کسه خوا هم
ند... کسا سگنه ما می گویند بروند.
خودمان خلوصا میسند، بیستی و بی صدر
سنا سنجج، به سران!
سرایان گروه گروه جمع شده بودند
و اعتراضات خود را اعلام می کردند. می -
گفتند و سوله هوای بیروم، آبها
می خوا سنججی مردم با سنججند.
سما و سنا و سنا و سنا و سنا و سنا و سنا
گرد که سران را آزار می کردند و آنها را
بر علیه کردها سنا می کردند. اما سران از هر
جهت سنجج می کردند و سوز میزدند
بر سنا و سنا و سنا و سنا و سنا و سنا
ادامه دارد

برهبری طبعه کارگر سلطه بر سنا بر مرام
با بودخوا هد کرد
و سنججی سنجج سنا سنا سنا سنا سنا
آن لحظاتی ما سنا سنا سنا سنا سنا
هرگز ارسا طرم محو نخواهد شد. مردم که از
آمدن سون سنا سنا سنا سنا سنا
اطلی، راه ما را سد کردند. هیچ حشانی قادر
نخواهد بود سنا سنا سنا سنا سنا
و میزد و کودکی، سنا و سنا، سنا سنا سنا سنا
بودند. سنا ارسا و سنا در مقابل حش
دا سنجج، سنا سنا سنا سنا سنا
نگاه سون ارسا سنا سنا سنا سنا
بود که سنا ارسا، سنا سنا سنا سنا
که ما سنا سنا سنا سنا سنا
مرگ سنا سنا سنا سنا سنا
آرسا سنا سنا سنا سنا سنا
مردم سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا سنا
که ارسا سنا سنا سنا سنا سنا
بود، سنا سنا سنا سنا سنا
داد. سون سنا سنا سنا سنا سنا



اعلام موجودیت « جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان »

فرهنگیان و دانش آموزان
سراسر ایران!
جمعیت مستقل معلمان مبارز کرد-
ستان ایران برای دفاع از حقوق
فرهنگیان ارسا می معلمان و دانش-
آموزان سراسر ایران انتظار دارد که
صدای اعتراض فرهنگیان و دانش آموزان
کردستان را بگوش همگان برسانند و در
شعبه ۵۹/۵/۲۷

اجرا جمعیت مستقل معلمان مبارز
کردستان ایران با اسما را اعلام می
اعلام موجودیت نموده است جمعیت در
اعلام خود ضمن توضیح ضرورت اتحاد
یک شکل دمکراتیک برای دفاع از حقوق
فرهنگیان اهداف خود را شرح داده است
ما صی آرزوی سروری برای معلمان
سراسر کردستان، فسمی ارا علامه "جمعیت
مستقل معلمان مبارز کردستان" مورچه
۵۹/۵/۲۷ را در اسما می آوریم:

روسی گنگی سقوط کرد و حشانی آن کسه
شد. اس درگیری سنا سنا سنا سنا سنا
ادامه داشت و بیشمرگان قهرمان سنا
به پایگاه خود بازگشتند.
★ ★ ★

شعبه ۵۹/۵/۲۷
کلمه "عصر حاشی" در کومله سنا سنا
داشت چهره های اسما سنا سنا سنا سنا
دو با سنا سنا سنا سنا سنا
بجای سنا سنا سنا سنا سنا
چهارشنبه ۲۷ فروردین
در سنا سنا سنا سنا سنا
با سنا سنا سنا سنا سنا
با سنا سنا سنا سنا سنا
استان کردستان سنا سنا سنا سنا
طنبک و سنا سنا سنا سنا سنا
تا سنا سنا سنا سنا سنا
و عمده سنا سنا سنا سنا سنا
با سنا سنا سنا سنا سنا
حکمران سنا سنا سنا سنا سنا
استانده بودند. تالی سنا سنا سنا
ارکیبه و سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا

ار شجر خارج سنا سنا سنا سنا سنا
دادند که یک گروه مسلح در ارسا سنا
مربیان دیده میشوند. سنا سنا سنا
رسدیم. همه جا از افراد مسلح پوشیده
شده بود. سنا سنا سنا سنا سنا
آویخته بود و گویه های سنا سنا سنا
به پای سنا سنا سنا سنا سنا
مرا فرا گرفت. سوزش شرم را با سنا سنا
آمد و در مغز مود سنا سنا سنا سنا
بود. دختر جوانی با چهره ای محکم و
مطمئن، موهاش کونا و لسا می سنا
با اسلحه ای سنا سنا، جلوی در سنا
پا سنا سنا سنا سنا سنا
با سنا سنا سنا سنا سنا
در اطراف جوانانی دیده میسند که همگی
مسلح بودند. سنا سنا سنا سنا سنا
چون کوههای کردستان اسوار و سنا
سنا سنا سنا سنا سنا
دا سنا سنا سنا سنا سنا
بودم که برای سنا سنا سنا سنا
اس دلاوران اردل آن سنا سنا سنا
ار آنان دور سنا سنا سنا سنا
هوا سنا سنا سنا سنا سنا
دل خود را سنا سنا سنا سنا
به سنا سنا سنا سنا سنا
دلاور، سنا سنا سنا سنا سنا
وارد سنا سنا سنا سنا سنا
اس سنا سنا سنا سنا سنا

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲ **امپریالیسم...**

آما دگی وسیع شده‌های خلق طبقه‌ها رگر در قبال کودتا احتمالی امپریالیسم آمریکا لطمه میزند و از این رو خواسته‌ها ناخواسته و غیر غم‌هزینتی که در آداب به آسیا با امپریالیسم آمریکا و عوام ملتش میریزد.

دیدگاه دوم، برخلاف دیدگاه اول، کاملاً به راست می‌افتد. این دیدگاه رویزیونیستی بر ما هست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌ها و عملکرد - های آن برده می‌فکنند و برای این رژیم "ما هیست مترقی و ضد امپریالیستی" قائل می‌شود. و آمریکا را پدیده‌ای تصویر می‌کنند که در بیرون مرزهای ایران - فعلیت دارد. همچنین با بزرگ جلوه‌ها دن بیش از حد خطر دخالته آن در ایران، کلیه نیروها را به دنیا له‌روی از ارتجاع حاکم فرامی‌بخشند. این دیدگاه نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند درک کند که بین ضد انقلاب هم‌تفا دوجود دارد و ضد رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا از این مقوله است. این دو در سرکوب خلق‌های ایران، در جلوگیری از رشد انقلاب و در با زسی سیستم سرما به داری وابسته متفق الفلول هستند. ولی چه لحاظ کیفیت پیاده کردن این سیاست عمومی و چه بدلیل منافع خاص هر یک از آنها، اکنون در عین جبهه مشترکشان علیه خلق در مقابل یکدیگر نیز جبهه‌ها دارند. بنابراین، دیدگاه دوم که شعار دفاع از ارتجاع حاکم در ایران را در مقابل امپریالیسم آمریکا سر می‌دهد، در واقع بفتح یک ضد انقلاب و بر علیه ضد انقلاب دیگر عمل می‌کند و در این میان به خلق و نیروهای انقلابی ضربه می‌زند. شوریسم و بیستفراول چنین دیدگاه رویزیونیستی ای حزب توده خائن می‌باشد و پس از آن (چیکهای اکثریت) قرار دارند. گذشته از این نیروهای رویزیونیست نیروهای ناپیگیری چون مجاهدین خلق هم در مدار یک - دری دارای چنین دیدگاه استروانه و انحرافی می‌باشد.

دیدگاه سوم، تنها دیدگاه اصلی و انقلابی می - باشد. این دیدگاه همواره از ارتجاع حاکم را از مبارزه با امپریالیسم جدا نمی‌کند. به همین جهت دچار انحراف دنیا له‌روی از ارتجاع حاکم نمی‌شود. چنین دیدگاهی به نیروی طبقه‌ها رگر و زحمتکشان تکیه می - کند، برهبری طبقه‌ها رگر در انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی میهنمان معتقد است. و برای برقراری جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه می‌کند. به همین جهت میکوشد با بردن ایده‌های مترقی و متعالی مارکسیستی به‌مان کارگران و زحمتکشان آن‌را متحد و متشکل و تا پیروزی انقلاب هدایت کند. این دیدگاه دره‌ای نسبت به ما هیست ارتجاعی رژیم حاکم دجا رنر دید و دلی نمی‌شود و تصور حاکم‌داری از این رژیم را بخود راه نمیدهد. با استحال، این واقعیت را هم‌کتمان نمی - کند و چشمان خود را بر روی آن نمی‌بندد که رژیم جمهوری اسلامی مزدور امپریالیسم آمریکا نیست، در حالیکه امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی بغا طر سرکوب انقلاب در پی روی کار آوردن سبک رژیم مزدور است. به همین لحاظ، این دیدگاه، ضمن با فشاری بر روی موضوع اصولی خویش در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و امنای همه‌جا نه‌سیاست‌ها و عملکردهای ارتجاعی و ضد خلقی آن، برولسا ربا و بنوده‌های خلق را در مقابل اقدامات امپریالیسم آمریکا و عوام ملتش هدرا رسیده‌ها ربارا در

بقیه از صفحه ۶ **اعلام...**

جهت افشاء سیاستهای ضد فرهنگی هیست حاکمه نسبت به فرهنگیان کردستان کوشا باشند.

فرهنگیان مبارز کردستان!

جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان ایران برای دفاع از حقوق فرهنگیان اعتقاد دارند تنها با مقاومت دسته‌جمعی شکل یافته و حفظ وحدت انقلابی خود میتوان سیاست ضد فرهنگی و فشا روتضییق هیست حاکمه را خنثی کرده هیست حاکمه می‌خواهد از طریق فشار وحدت مبارزاتی فرهنگیان را از بین برده و سازشکاران و تسلیم‌طلبان را به خود جلب نماید. و ان خاص بینابینی و متزلزل را بیف سازشکاران سوق دهد تا با ایجاد شکافی عمیق و از بین بردن پیوند و پیوستگی فرهنگیان مبارزین این قشر را ناشناسی و بشدت سرکوب نماید. **جمعیت**، مشکلات همکاران فرهنگی خود را عمیقاً احساس می‌کند و فشارهای مالی و ادبیر آنها را درمی - با بدوا اعتقاد دارند که تنها با ایستادگی میبوان شرایط تحمیلی و ضد دمکراتیک هیست حاکمه را در حال حاضر در شهرهای کردستان (سنندج، سقز، بانه، مریوان و...) از طریق بر کردن برشنا مه‌وانجا مامام حبه اعمال می - شود خنثی نمود.

با این استدلال بر کردن هرگونه برشنا مه‌وانجا مامام حبه را قویاً **تحریم** می‌نمایند. **جمعیت** و طبقه خود میدانند که صدای اعتراض حق طلبانه فرهنگیان کردستان را بگوش هم میهنان خود دوسا زمانه‌های مترقی و پیشرو و نهادهای دمکراتیک و شخصیتهای مبارز بمنظور پشتیبانی برسانند.

دانش آموزان مبارز کردستان!

وحدت مبارزاتی خود را مسخ کنر شما بیاید و با اعتراض دسته‌جمعی، انحلال آموزش و پرورش، اعلام و اخراج و تبعید و زندانی فرهنگیان و دانش‌آموزان و تعطیل مدارس را سبب محکوم نما بید.

هیست حاکمه می‌خواهد تا تعطیل مدارس و محسوم نمودن شما از شرکت در امتحانات، طبیعی ترین حق شما را زیر پا گذارد.

هیست حاکمه با علم به اینکه بخش وسیعی از شما بدلائل متعددی امکان رفتن به شهرهای دیگر و شرکت در امتحانات را ندارند و محسوم شدنن حتمی است

جهت مقابله‌ها جیبی خطری که چه‌سیا بصورت کودتا هم برور پیدا کند آ ماده و در حدسوان و امکان خوبش متشکل می‌کند. در صورت برور کودتا، در عین حفظ صفت سبکی مسهل خوبش در سراسر رژیم جمهوری اسلامی به جنگ با کودتای امپریالیستی می‌پردازد، می‌کوشد رحمکالی را هم کینه بدلیل سوهمشان در موضع دفاع از رژیم جمهوری اسلامی قرار بدهد. ندسه موضع اصلی آنها و دفاع از مساع طبعانی‌شان بگشاند. سراسری در چنین وضعی دوسرودر ایران با امپریالیسم آمریکا و عوام ملت مقابله می‌کنند، یکی ضد انقلابی و ارباب‌گه دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و لاجرم در چارچوب ضد انقلاب و دیگری انقلابی و ارموضع دفاع ارمنا مع

بقیه از صفحه ۱۵ **جنبش...**

می‌روند. آنها روشن نمی‌سازند که این دولتهاپورز - وائی هستند یا خرده‌بورژواژی؟ از سکوت رفقای رزمند - گان در پاسخ به سوالات فوق و نظایر آن چنین برمی - آید که این رفقا برای رویزیونیسم هیچ پایگاه اقتصادی - اجتماعی قائل نیستند. رزمندگان مبارز دیگر به فضای نزولات رویزیونیستی و تمکین در مقابل سوسیالیسم امپریالیسم روس روشن نمی‌کنند که این کداسین طبقه مسلط اجتماعی در لهستان است که طبقه کارگر به مبارزه بر علیه آن اقدام نموده است؟ این رفقا برای خلاص شدن از تنگنای تحلیل طبقاتی از حزب دولت بورژوا رویزیونیست حاکم در لهستان چنین نتیجه‌ی می‌گیرند که چون "چنین حکومتها شی (حکومت‌های شوروی و لهستان) کارگری نیستند پس ضد کارگرند!" رفقا شما با بدروشن کنید که مبارزه طبقه کارگر لهستان علیه کداسین طبقه اجتماعی است.

می‌خواهد با یک تیر دو نشان را بزند، یعنی از یک ط با ایجاد دموآتعی باعث محسوم شدن عده‌ای از همکلاسی - های شما بخصوص خوارانتان شود و از طرفی دیگر با ایجاد شکافی عمیق بین شما بدبینی و نفاق و جدائی را دامن زند.

ما به شما توصیه می‌کنیم که فریب این توطئه‌گران را نخورید و با انجا دود نقشه‌های نفاق افکنانه آنها را نقش بر آب کنید، و شرکت در امتحانات را در شهرهای دیگر **تحریم** نما شید.

جمعیت ما معتقد است که معط از طریق شکل دادن به خود ایجاد یک تشکیلات مستقل صنفی - سیاسی و بر - فراری پیوندی ارگانیک با تشکیلات مستقل معلمان میبوان بک حسه مفاومت را در مقابل فشار و تضییقات و نه‌جامت ضد فرهنگی و ضد دمکراتیک هیست حاکمه بوجود آورد.

پرسوان تا دودت و مفاومت هر چه بیشتر فرهنگیان برای خنثی کردن توطئه‌های ضد فرهنگی

متشکل شربا دتشکلهای دمکراتیک فرهنگیان برقریر یاد وحدت مبارزاتی خلقهای ایران ۵۹/۵/۹

برولسا ربا و زحمکسان، بوجود آمدن چنین حالتی به هیچ وجه معنای این سبت که نیروهای انقلابی و کمونیستی لخطه‌ای از افشای ارتجاع جمهوری اسلامی در ایران بی دست بردارند. ولی این معنی را در بردارد تا زمانیکه از لحاظ نظامی موردیورش این نیروها قع سده‌ها بدآ سرا مورد حمله نظامی قرار رسد.

سبب سربسب، شننا و تنها دندکا دسوم سب که یک دندکا دسولسری است و از منافع برولتا ربا و سایر رحمکسان حماست می‌کند. چسب دندکا هی واقعیات را بحرف سبکند و با حرکت ارواغتات آما دگی خود در مقطع کسوی برای مقابله کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا کلا معط می‌کنند. و در عین حال تمام قدرت‌ها دندکا هیست انحرافی مبارزه مسامد

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

بقیه از صفحه ۱ دومین کنگره ...

کنگره‌ها زمانی ما در شرایطی برگزار شد که علیرغم تمامی تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب حبش توده‌ای و نوسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته، بحران انقلابی درجا معما همچنان تداوم یافت و بورژوازی وحده بورژوازی مرفه‌ستنی نتوانستند در تثبیت حاکمیت خود اهداف مورد نظرشان برسد، این وضعیت مسائل مرموز و بسیار پراهمیت و تعیین کننده‌ای را پیش پای کمونیست‌ها قرار میدهد، و در این میان سمت و سوی کنگره‌ها زمان ما چه زلحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی اتخاذ میکنند، بدلیل موقعیت تعیین کننده‌اش در جنبش کمونیستی مینهمان، از اهمیت بسزائی برخوردار است.

بهین جهت ما برگزار می‌کنیم موفقیت آمیز کنگره‌ها با زمان و دستاوردهای آنرا نه فقط یک پیروزی برای خود، بلکه موفقیتی برای جنبش کمونیستی مینهمان تلقی میکنیم، و همچنان که در کنگره متذکر شدیم آرزو مندیم زیر پرچم پراختیا و رفاه برای ایران و در راهی با خون شهیدان کمونیست و انقلابی خلق سرخ رنگ کشته‌است، ای دستاوردها، دستاوردهائی که هر چند در مقابل عظمت‌های که در پیش‌پایان دریم کوچک است، چراغی در دست ما برای پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و تمامی خلق باشد.

با زمان در نظر دارد در آینده و بتدریج، دستاورد‌های کنگره و نتایج آنرا بطور عملی در اختیار نیروهای کمونیست قرار دهد اما در اینجا ما ضروری میدانیم که به مهمترین موارد دستاوردهای کنگره اشاره کنیم. این موارد بطور محوری و خلاصه بشرح زیر است:

۱- نقش برجسته و بارز توده‌ها در تعیین سرنوشت سازمان:

در گذشته‌ها توده‌ها به غلبه‌های چریکی برجانبش کمونیستی مینهمان (تا سال ۵۷) و با توجه به آنکه ما پس از زرد می چریکی و علیرغم آگاهی نسبی بر اصول و ضوابط سازماندهی حزبی محبوس بوده‌اسم دوران گذاری را برای تطبیق وضعیت سازمانی خود با اصول حزبی از سر بگذرانیم مکرری بوده‌ای برای شرکت فعال توده‌های سازمانی در تعیین سرنوشت خویش نامین نمی‌گردید. در این کنگره بدلیل اجرای سیستم انتخابی حزبی (بظور نسبی) که حد اکثر مکرری را برای انتخابات حوزه‌ای (انتخاب از پایه) منظور انتخاب نمایندگان کنگره‌ها مینمی‌شود، توده‌های سازمانی توانستند پیش از پیش و بطور آشکاری مهر و نشان خود را بر مضمون و مواضع مصوبه بکوبند.

۲- رسیدن به ارزیابی عینی از وضعیت جنبش کمونیستی جهانی و ایران و ...

غلبه رویزیونیسم خروشچی پراچاب و سازمان‌های کمونیست در دهه ۷۰ که آنرا به سنجش لاپ رویزیونیسم کثا ندویدن آل آن ضربه مهلکی که ارتداد حزب کمونیست چین از مارکسیسم-لنینیسم و روی آوردن آن به تئوری ارتجاعی رویزیونیستی "سه‌چان" برجانبش کمونیستی جهانی وارد ساخت، اردوگاه سوسیالیستی را بدست تضعیف ساخته و دچار

فرصت یافتند در راه این مسئله بحث و مباحثه ایدئولوژیک بنشینند و در مورد راه‌حلی‌های مسئله بنا نندیشند. هر چند قبل از کنگره در ارزیابی اوضاع و بحران جنبش کمونیستی ایران و انعکاس آن در سازمان، سبب فکری و اختلاف نظرات اساسی وجود داشت ولی کنگره موفق شد با طی پروسه مبارزه ایدئولوژیک نظرات ذهنی و انحرافی را پس زده و به درک نسبتاً روشنی از فضا یا دست‌یافت، این امر برای ما چه بلحاظ تئوریک و چه از لحاظ تشکیلاتی حائز اهمیت بسیاری است، چرا که از یک طرف ما با تکیه بر این دستاوردها بهتر خواهیم توانست علیه نظرات ذهنی و انحرافی در این زمینه در سطح جنبش کمونیستی به مبارزه برخیزیم و از جانب دیگر رسیدن به ارزیابی روشن در این زمینه وحدت سازمانی ما را بیش از پیش تقویت نموده‌است. تمیز دادن عوامل عینی بحران جنبش کمونیستی، از عوامل ذهنی، عوامل سیاسی از عوامل مبنی و عوامل عمومی از عوامل ویژه سازمانی، همانا دستاورد بزرگی بود که کنگره بر آن دست‌یافت. علاوه بر این، راه‌حلی‌های با نسبت به صریح و روشنی در کنگره برای غلبه بر این معضل مورد بررسی و تصویب قرار گرفت، چگونگی تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی، مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی، کوشش برای اجزای روابط نزدیک، با اردوگاه سوسیالیستی و دیگر تداوم پیرو راه‌حلی‌های سیاسی - تشکیلاتی از جمله مواردی بودند که کنگره نسبت به آنها اتخاذ تصمیم نمود. این دستاوردها آینده ما را بیش از پیش در انجام وظایف کمونیستی مبنی و اسرنا سونا لیستی مان باری خواهد رساند.

۳- در زمینه تئوری مارکسیستی - لنینیستی «سوسیال امپریالیسم شوروی»:

در این زمینه کنگره موفق شد استنتاج و ارزیابی خود را از سوسیال امپریالیسم، سطح داده و به دستاورد‌های مهمی دست‌یافت. کنگره بخصوص با تکیه بر سبب ساختار امپریالیستی حاکم بر روی نظرات نیروهای که در این زمینه را خود سزلزل‌ساز می‌دهند، مقرر - بندی نمود. کنگره خاطر نشان ساخت که قبول تئوری مارکسیستی - لنینیستی "سوال امپریالیسم شوروی" یکی از معیارهای وحدت سازمانی در کنگره‌های جنبش کمونیستی خواهد بود، علاوه بر این قبول و بنا عدم قبول این تئوری انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی معیار شناخت نیروهای بنگیر از نیروهای ناسنگر جنبش کمونیستی خواهد بود، بدین معنی که نیروهای که حزب کمونیست شوروی را صرفاً رویزیونیسم و اس کسور را رویزیونیستی قلمداد میکنند و آنرا یک کشور سوسیال امپریالیستی سمیادند، علیرغم آنکه از نظر ما جزو جنبش کمونیستی هستند ولی جزو نیروهای ناپیگیر جنبش کمونیستی می‌شوند و اگر هر آینه در این مورد موضع سبب دوسندلی را رها ننازند، دچار همان سرنوشتی خواهند شد که دیگر نیروهای سزلزل‌سازند. کنگره بر اهمیت مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه با نظرات و گراشات رویزیونیستی و ترونیستی که ارزیابی‌های انحرافی از "سوال امپریالیسم

بحران و تشتت نمود. با تطبیق جنبش کمونیستی مینهمان ما نمیتوانست آنرا تا روعاً و صاباً این بحران بدورماند، پیوستن کامل حزب سوده‌ها اردوگاه رویزیونیسم جهانی و تبدیل شدن آن بیک دارنده مزد و سوسال امپریالیسم تئوروی حاست این حزب را که سسرک صحنه مبارزه پس از کودتای ساهوا امپریالیستی ۲۸ مرداد شروع گشته بود تکمیل نمود و بدینا ل آن پیوستن بحث دیگری از محافل وابسته به جنبش کمونیستی که با حارح‌نشینی سالیان درار خود تا قبل از قیام ۵۷ به ایرونیسم اسکا در غلبه نمودند، به اردوگاه رویزیونیسمی که رویزیونیست‌های چینی پرچمدار آن بودند تا شیربذیری دیگر سروهای جنبش کمونیستی که از غلبه رویزیونیسم مومو مانده بودند، همه و همه آثار نامیمون عملکرد رویزیونیسم در جنبش کمونیستی مینهمان مان سوده‌است. آخرین نشانه عملکرد رویزیونیسم همانا در غلبه حاکم "تئوری: جرئت"ها ن مدانی خلق اسرار سده صلاب روی سوسا است که سوسه خود مره مهمی برجانبش کمونیستی مینهمان وارد ساخت. و فنی‌های عوامل منفی و محرک در صحنه‌های



دومین کنگره سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مسائل ویژه و درونی جنبش کمونیستی مینهمان را نیز بیفزاییم، وقتی در نظر بگیریم که حکومت کمونیستی در جنبش سوده‌ها انقلابی خلق در سالی‌های اخیر از نوده‌ها عقب مانده‌اند، وقتی خرده‌کاری عظیم آنها، تشتت و پراکندگی آنها را در نظر آوریم، وقتی در نظر بگیریم که هنوز جنبش کمونیستی مینهمان مانوانسته‌است پیوند لازم با طبقه کارگر و توده‌ها را برقرار سازد، و وقتی به این مجموعه عملکرد انحرافی و گراشات راست و چپ را اما هم‌ما شیم، آسوفت مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی مینهمان را که بدرستی ساند آنرا بحران نامید، بحران‌های که هیچک از نیروهای جنبش کمونیستی و از جمله سازمانی مان نمیتوانند آنرا سکا سبب آن بدورماند، در نظر خواهیم آورد. غلبه بر جنبش بحران‌های قبل از هر چیز بنا بر مبنای ارزیابی صحیح از آن میباید. با درک همسایین مسئله بود که در جریان تدارک کنگره بحث وسیعی برای ساخت و ارزیابی ارتجیبش کمونیستی و مسائل و معضلات سازمانی ما در میان تمامی اعضا و کارکنان سازمانی در گرفت، زمانی سازمانی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۲)

نواست با کمک آیت الله روحردی حلوی نظا هراسی اراس سوع را بطور کامل بگیرد و موضوع اشغال فلسطین در ایران با سکوت شرم آوری که تا حدنا سل سوچی بحث با شرم و ننگری آیت الله روحردی بود رو برسد. آیت الله روحردی برخی ار طلاب جوان، پس - جمله سران فدائیان اسلام را که خوا سا سرکت در جنگ فلسطین بودند را رزم سیرون کرد و آنها در همین رابطه مدتها حرات با رکشت به قهر انیا فنند.

ار سوی دیگر در حالیکه جنش دمکراتیک صدا مپیر- با ایستنی خلفهای ایران علیه سلطه امپریالیستی انگلیسی اوج گرفته خوا سا رملی شدن صنایع نفت بود، آیت الله روحردی نه تنها از نا شید آن خودداری کرد بلکه "حکم" (۱) ملی شدن نفت نعت را که یکی از مراجع درجه دوم است م آیت الله محمد تقی خوانساری که بطور رسمی گراینها ی ترفیحوها نه است داده بود

- - سخن روحانیت در زمان آیت الله روحردی منع می‌شود آیا و رزم با چگونه بود؟
- - چه کسانی کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را نهانه "مارک با د" می‌گفتند؟
- - کسانی که کمونیستی را که چابزه سلطنتی ندان بیطنی منگرفت چه کسانی می‌سوئند؟

طلبی های بورژوازی درون طلاب جوان را سیرنا چما ی تکفیر سرکوب می‌کرد. فقط برای فنیال میگویم که در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) همزمان با ناسین دولت غاصب اسرائیل و اشغال فلسطین موج مخالفت شدیدی در کشورهای منطقه عرعی و حده عرعی نظیر پاکستان همراه سا نظا هرات در گرفت و بوده های ساری حوا سا سرکت در جنگ علیه میونسپسلیا شد و دولتی در ایران، رزم سا ه

در حاشیه مصاحبه

شیخ محمد تقی فلسفی واعظ معروف کداین روها سیرد هفا میگذرند - به حاشی میگفته کمونیستها و نیروهای انقلابی می بردا رد و حدی پس همراه سا گروهی در حوا را با آیت الله خمینی ملاقات کرده ان کسی است که علیه صدق و نه تیغ شاه مومع داشت و در حد خود جا ده ف کن کودتای آمریکا می ۲۸ مرداد دیود ا و از سال ۲۵ به سعدها دریافت حقوق از رکس ۲ در

با دگایهای ارتش سخنرانی میکرد و برای منحرف کردن افکار عمومی از قیامی سیاسی، مساله بهیشت را که ارتقا ط سیاسی برادر دوقلوی رزم شاه و آلنتی در دست امپریالیستها بود علم منگردد و با طرح یک سلسله خرافات میگوید مردم را معول کند. آقای فلسفی با سپهبد زا هدی و سیمور حبیبی رفرا مدنا رنظا می تهران و با - نما تبلیغ رئیس ستاد ارتش دوست نزدیک بود. با یید برسید چه کسانی اراشای مزدورانی چون فلسفی میترسند؟



"حجت الاسلام شیخ محمد تقی فلسفی واعظ معروف در خدمت سپهبد زا هدی عامل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و نجف و ریز کودتا ."

در شماره گذشته عنوان مقدمه، به سید مدخلات فدکومنیستی و صدحا هدیبی بویزه پس از سخنرانی آیت الله خمینی در ۴ ترم ماه اساره کردند. در آن سخنرانی ارتما س دو سغرا زرفعی ما با آیت الله خمینی به عنوان سنا سندگان سا رما ن ما هدرن خلق اسرا ن در سال ۱۳۵۰ سخن بره میان آمده بود. مصاحبه ای که ما با رفقا سرات حو سا ی وحسن روحانی در اس بساره سرست داده ام در اس شما ره وجد سا ره دیگر ملاحظه می‌کنید:

پیگار: صحبت را با سؤالی از رفیق سرات آغاز می‌کنیم که فصل ارسال ۵۰ سزنا آیت الله خمینی آشنائی و تماس شما شده است. شما چه توضیحاتی را پیرامون آن مساله برای حواسندگان ما مقدمه می‌دانید؟

تراب: قبیل اربرد احسن به تماسی که ما در نجف با آیت الله خمینی در سالهای ۴۹ تا ۵۳ عنوان نماسد - گان ما هدیب خلق دا نشتم سب هترا س به رسمه آشنائی خود ما روحانیت در سالهای قبل از آن انا ره کم چوا که از جمله سعدها سعیا ره مان آشنا شها، سا زمان مراره صحف برای تماس فرستاد.

سابقه آشنائی من با روحانیت به محیط خاوا و ادکی وسالهایی که در قم تحصیل می‌کردم (۳۹-۴۶) و سزبیه منارات سالهای ۴۹ تا ۴۲ و پس از آن پرمیگردد. من در محیطی مذهبی بزرگ شدم و از دوران کودکی در کنار تحصیل در دبستان و دبیرستان با قرآن و سبج اللغاه و کتب مذهبی و ادبیات عرب ما نوس بودم. سساری ار خوستا ن سزدیک من از علمای معروف فارسی (چهرم، لار، شرا ر) هستند. سدر هر چندا نظریق و عط و مسجدا سرار معاش می کرد و سزدگی فقیرانه ای عمدتا از راه پرورش دام می گذران دولتی با فرهنگ مذهبی و روحانی بسیار ما نوس بود و علائق و پیوندهای مذهبی و عمل محدانسه به دستورات دینی در بین ما بشکل خیلی قوی وجود داشت.

اکنون با یادآوری مجدد خاطرات و اطلاعتما از سال ۳۰ به بعد می توانم به اس نکات و ملاحظات بطور سیا ر مختصرا اشاره کنم:

آیت الله روحردی پس از فوت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۲۵ بر مستند مرجعیت ترا گرفت و ستردیج دیگر محتهدین رقتب را با پشتوانه و حجاب رژیم شاه زمیدان سدر کرد و در اس روحانیت سیه ترا گرفت و به ننتها در ایران ارشودا لیسیمو نظا سلطنتی و محافظه کارترین و عقب مانده ترین اقشار احما عی حمایت و در واقع آنها را سنا سبدگی می‌کرد. بلکه ما نمودی که در سرحی دیگر کشورهای منطقه نظیر عراق و سنج نشنهای صلح و پیا کستان داشت تا آنجا که مستوا نست مانع حرکتیهای انقلابی و ترفیحوها نه آنها سیز می‌گردد. در واقع نقش آیت الله روحردی ما سدیختگی بود که ۱۵ سال تمام (۲۵ تا ۴۰) نه تنها به توجیه اقدامات ضد خلقی رژیم شاه و سرکنا ریبهای امپریالیستی انگلیسی و آمریکائی مشمول بود بلکه هر گونه صدای حق طلبانه و حتی تجدد

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

در حاشیه مصاحبه:

در حاشیه مصاحبه سید مرتضی با کتاب "تصمیم دو ماهه روحانوس" مؤلف علی دوسی - قم (۱۳۴۱) - مباحث تاریخ تلگراف مهر ۱۳۴۱ است:

تلگراف حضرت آیه الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلی حضرت همایونی

پس از اهداء تحیت و دعا بطوری که در روزنامه هامنتشر است دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی اسلام را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده و بزنها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علماء اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام، آرامش قلوب است مستدعی است امر فرمائید عطا بفرمایند که مخالف دینان مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از بر نامه های دولتی و حزبی حقیقت نماید تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان شود.

الداعی روح الله الموسوی

کتابهای درسی که گاه در سطح بالیافت آنها به صدمه سال قبل مبرور شد است. بعضی را به جای و کسب درسی منحوی که متاسفانه با سایر زور (با زور زور) با خدش و برب یک حرکت جدی در آینه بود و نئی آیت الله خمینی در این نظایا همس کار زمینی این سرسما رسه سن گذشته و عقب مانده است.

در درس "اصول" تحسینی وجود دارد نام ... و اجاب. منظور از این سخن این است که مصلوب بودا کر کاری "واجب" است (مثلاً حج) آنا مقدمه است (سوار هوا) بنما شدن) هم "واجب" است نه آن؟ قای خمینی و نسی می - حواسه این سخن را برای شاگردان شروع کند که ... بوده است تحت "سید مرتضی" چو در نه "حرب" و لسی چون مدعا این سخن را داده است، هم آن را شروع می - کنیم و به ما هم موجب خدش است تا این صده که ...

بغول خودی نیست دردی نمی خورد که می بود ... در آن سالها که آن همه ما را در ایران حریفان داشت آیت الله خمینی به اس شخصاً و سوسن کتاب - هائی مکتوبه کتاب در باره "دعای ثلاثه" (جوهی است و بیاس و انصاف) معمول بوده است. کویا فقط در سال حکم اقدام سواب صوتی بر سر و جردی رسه و او را سوسن به ملائین برای خطوکسری ارا عدا م آنها کرده بوده است و سر و جردی هم ارا رسه بوده که اکثر آنها را اقدام می کنند حداقل بالناس روحانی آنها را عدا م میکنند (مما دا عماما عدا م بود) که هم منظور هم ...

اما پس از مرگ سر و جردی در اوائل سال ۴۰ و طرح مساله اصلاحات ارضی آمریکا - که سر و جردی ارموع نشود الی تا وقتی رسه بود ما موا ارا جرای آن خطوکسری کرده بود است آیت الله خمینی هم ارا حرکت انجمنی روحانیون علیه اصلاحات ارضی، قانون الحس - های انالسی و ولایسی و برکت زبان در اینجانات و ... به مخالفت علنی با اقدامات دولت برخاست. مخالفت آیت الله خمینی با ارسال تلگرافها به ما و علم (حسب و سر و وقت) که مضمونی انقبالی نداست شروع شده حد لحن او از دیگر مراجع حس سر و جردی رسه بود.

همزمان با استعرا رها کمیت سرما به داری واسه و سپهر بگو شوم ندکی مثل از آن، خرده سر و جردی سنی ۱۰ - زلاحظ افصا دی و حوا زلاحظ فرهنگی خود را در برص نابودی میدید. این مسئله طبعاً عکس العمل مبارزاتی و حشکسا به او را علیه مظهر مبارزات لسی و کمپرادورها و در را اینها به رسمی انکجانب و نماندگان سیاسی - مذهبی خرده سر و جردی حواسها و نظرات طبقاتی خود را در سرا رها و مواج حوس منعکس میکردند و ممالا نه او را در عرصه سیاسی ماسرانی می -

گسند، یکی از رهبران مذهبی که بواسطه در این عرصه نقش ایفا کند و نظر خرده سر و جردی و با حدی زحم - کشان را به سمت خود جلب نماید آیت الله خمینی بود که شرا رهای را در یکا لسی میداد.

بوده های سید مرتضی با روحیه مبارزاتی انصاف دی و اجتماعی خود را یکطرف و فرهنگ مذهبی ارسوی دیگر به محسیدی روی آورده که برخلاف دیگر محسیدان (که کاربان سکوت و ساری با ریم بود) با ما به مماله می - کرده و بدین ترتیب آیت الله خمینی بعنوان رهبر مذهبی و سیاسی پذیرفته شد و ما در سالهای ۴۱ و ۴۲ بعنوان مرجع مقلید ما ر مطرح گردید. دستگیری او

مبکره است و ناستند با یگا هی بیابند و مطرح شوند. رشد بورژوازی کمپرا دور و رونق کاذبی که چند سالی در ایران وجود داشت آیت الله شریعتمداری را که متکی به سرما به داران متوسط و بزرگ سوبزه تجار آذربایجانی بود سنوان مجتهد مورد احترام این اقشار و نیز رژیم شاه در آوردولی برای برخی اقشار تحت ستم یعنی خرده - بورژوازی سنتی، خمینی محمل و بنا بنده ممالا - قمع طبقاتی بود خرده بورژوازی سنتی شدیداً از سوی سرما به - داری وابسته حیاتش تهدید میشد و مساره جدی و غیره - رفرمیستی را طلب میکرد اما تا زمانیکه ته مانده های از سفره رنگارنگ بورژوازی بطور موقت به او (خرده - بورژوازی سنتی) میرسید با احتیاط جلومیزفت. ولی وقتی دیگر کاردها استخوانش مسر سحتی که به - حمایت از فعالیتها ی مسلحانه مها همدن نیز میدادخت.

ادامه مصاحبه با تفصیل بیشتری به حوادث سال - های ۴۰ و نقش روحانیت می پردازد که در شماره آینده خواهد خوانند.

که بیابند به ساری بر شدن توده های متوسط و فقیر و سوسم - دنده حواسها شد تا سال ۱۵۰ خر داد و سرکوب حین توده های ارسوی ریم بود. چه گردید و آیت الله خمینی برای بوده - ها صورت را در یکا لسی رهبر مذهبی در آمد. ثلاثه - های رژیم برای سعید و سدا م کردن او و علم کردن کسانی ما سید مرتضی داری و حوشی و عمره به محسوس خمینی وضعف بریدن سالگا هکسانی ما سید مرتضی داری که ما به بیسری از خمینی داد سدا حا مند و هم خمینی را در موضع نا طما مخالفتی قرار داد که نمونه اس سخن - رانی سدا و در سال ۲۳ سر و جردی، کا بسلولاسون (موصوفه ممالی مساران آمریکا) توسط مجلس بود. حرکت ماسره حواسها آیت الله خمینی از سوی دیگر مراجع عدا م سکوت و اگر او رسوید، نشود آنها سره خوردند و در سسم جدید بورژوازی کمپرا دور حسل سید و کسانی مثل آیت الله حاج آقا حن فمی (مقیم مشهد) که سدا اریا نگا حمایت از نشود الهابه مخالفت ماسا سره بودند علیرغم قریب ۹ سال تبعید در کرج چون اریک حریفان احما می عرساً مرده حمایت

تمام دارائی پیکارگر شهید طیب نجم الدینی در اختیار سازمانش قرار گرفت
مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال دستمزد کارگری رفیق شهید طیب نجم الدینی (ابن رفیق شهرا همسگر رفیق شهید مسعود با لعی را محدود بکما همیشه در تریزیدست مردورا جمهوری اسلامی سرور شد.) که تا روز قبل از شهادت کار می کرد ارا رفقا پیش در امت و در اختیار سازمان قرار گرفت. ما من زنده و خاطر هاشا و دانه با د.

رفقا، دانش آموزان انقلابی!
۱۳ آبان ارگان دانش آموری سازمان را بچوانید و آسرا بمسان دانش آموران، بخصوص فرستادن رخصتکار سربند.

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار (۲)

با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

در شماره قبل پیکار (۷۰) گفتیم که در مناظره تلویزیونی روزهای دوشنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۹ مرداد سه گروه شرکت داشتند، گروه اول، مسئولین وزارت کار گروه دوم (حکیمان و کشا ورزی) از طرف کارکنان شوراهای اسلامی (بلی تکنیک) و گروه سوم (ربیبی و کمالی) از "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی" (خانه کارگر) در آنجا با برخورد سه گوشه‌ای از سخنان یکی از با صلاح نما بیندگان گروه دوم (کارکنان شوراهای اسلامی) نشان دادیم که اینها علیرغم اینکه بظن هر طبقه کارگر مدافع می‌کنند در واقع مدافع سرمایه‌داران هستند، در زیر قسمت بندی آنرا ملاحظه می‌کنید.

گروه دستان کارگر بیا دادا شته‌ها شند، و در همان مناظره تلویزیونی نعمت زاده وزیر کار را نفرت از میازات سال گذشته کارگران یاد می‌کرد. خواست آقای نعمت زاده یعنی صاحب کارخانه‌ها بپتیموس ما ننده هر سرمایه‌دار دیگر اینست که کارگران از راههای "قانونی" بدنبال حق خود با شند، چرا؟ چون قوانین رژیم جمهوری اسلامی ما ننده همه قوانین دولت‌های سرمایه‌دار را هموار از زمانه‌ها سرمایه‌داران حمایت کرده و کارگران را محکوم می‌نماید. سرمایه‌داران بخوبی میدانند که اگر بتوانند کارگران را به راه‌های قانونی (همسان قوانینی که خودشان بخاطر منافع خودشان درست کرده اند) بکشند در واقع توانسته‌اند دست و پای کارگران را کارا ملبینند و آنها را فلج کنند. خود وزیر کار اعتراف می‌کرده که سال گذشته کارگرانی که بطور انقلابی دست به اعتصاب زدند بودند بیشتر از همه توانسته بودند سود ویژه بگیرند، در صورتی که دولت موفق شده بود سرمایه‌دارانی را که به راه‌های قانونی کشیده شده بودند کلاه گذاشتی بگذارد و کمترین سود ویژه را به آنها بدهد. (کشا ورزی) هم که خود وابسته به یکی از تشکیلات زرد (کارگری است) [کارکنان شوراهای اسلامی] و از سرمایه‌داران دفاع می‌کنند میگویند باید حیل و تیرتنگ جلوی میازات کارگران را بگیرد و آنها را بهمان راه دلخواه سرمایه‌داران یعنی راه قانونی بکشند تا هم گوشه‌ای از سخنان را مرور می‌کنیم:

بیا کارکنان شوراهای اسلامی به کارگران! کشا ورزی از گروه دوم (کارکنان شوراهای اسلامی) در قسمتی از سخنان خود طی بیانی اینچنین کارگران را سازش و تسلیم در مقابل دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی دعوت می‌کند: "سرمایه‌داران کارگر... با توجه به اینکه همیشه در مقابل تصمیم‌گیری‌های غیرمنصفانه بطور مثال حداقل دستمزد... و اخیراً همین مسئله سود ویژه حلوا حلوا با ما و اخلاقی‌گری‌های گروهی... ضد دولتی و منافعی است که کرده‌اند و همیشه کارگران ما نوحه‌ها ما را شایسته‌ها صرون حمل کرده‌اند، جلا هم

(۲) - "کارکنان شوراهای اسلامی بلی تکنیک" و "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی" (خانه کارگر) هر دو از سبک‌باران رد کارگری هستند که سبک‌باران سرکنت‌کننده در این مناظره و اسبده‌ها می‌سازند.

خونسردی خودشان را حفظ بکنند و بخاطر استقلال مملکت... به کار فعال خودشان ادا می‌دهند و شوراهای اسلامی... منطقی و بی‌گیرند و این مسئله را بگیرند... بخاطر همین است که این شوراهای اسلامی همیشه خواسته‌اند برای این تصمیم‌گیری‌ها (یعنی همسان تصمیم‌گیری‌ها) ضد کارگری رژیم کارگران را توجیه بکنند و به آنرا مس دعوت کنند. بخاطر اخلاقی... که گروهی چپ می‌کنند... [توضیح داخل پرانتز و تا کید از ما است.]

کشا ورزی مبارزات انقلابی کارگران را برای بدست آوردن حقوق خود "اخلالگری" می‌داند و بر این اساس مبارزات و فعالیت‌ها در منافع سرمایه‌داران اخلال بوجود می‌آورد! او کارگران را دعوت می‌کند تا اگر حق... شان توسط دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پایمال می‌شود، خونسردی خودشان را حفظ کنند و به کار فعال خودشان ادا می‌دهند! یعنی در واقع بیشتر کارکنند تا سرمایه‌داران بیشتر بتوانند آنها را استثمار نمایند! او از این می‌ترسد که کارگران دست از کار بکشند، نظرات نمایندگان این مسئله باعث طعنه خوردن به منافع سرمایه‌داران شود، به همین دلیل پیشنهاد می‌کند که کارگران به "کار فعال خود" ادا می‌دهند و شوراهای اسلامی دنبال کار را بگیرند. البته کشاورزی به خوبی میدانند "شوراهای اسلامی" مورد نظر او هم فقط در ظاهر دنبال کار را خواهند گرفت و در واقع سازد و با کارگران را مانند سابق "بیهوش" می‌کنند و دعوت می‌کنند "اگر کارگری هدفش راست و پوست کنده آزادی کردن کارگران است که مصمم هستند با اتحاد و مبارزه خود حق شان را از این رژیم سرمایه‌داری بگیرند. کشاورزی میدانند که زمانها و مکانها و گروهی انقلابی (و از جمله ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) همیشه مدافع این بوده‌اند که کارگران را فریب قانونهای سرمایه‌داران را نخوردند بلکه خودشان با تکیه به نیروی اتحادشان برای بدست آوردن حفاشان مبارزه کنند و به همین دلیل آنها را اخلالگری نامند.

"کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی" (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) چه می‌گوید؟

ربیبی (از جنرال موسور) و کمالی (از آخ) که از طرف "کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی" (یکی دیگر از تشکیلات زرد کارگری) صحبت می‌کردند در کوشش عوام‌فریبی خود را طرفدار طبقه کارگرشان دهنده اند و در واقع از منافع سرمایه‌داران حمایت کردند.

ربیبی صفت سخنان می‌گوید: "این طرح با بدیهه کمیسیون اقتصادی مجلس سورا سرود" چرا ربیبی این پیشنهاد را می‌کند؟ مگر مجلس که اکثر کرسی‌های آن در دست حزب جمهوری اسلامی است متوجه است که کارگران دفاع کند؟ اگر حزب جمهوری اسلامی (مجلس) می‌خواست با مینوا نسیار حق کارگران دفاع کند، هرگز آن کارکنان شوراهای انقلاب را تشکیل میدادند، هرگز به لغو سود ویژه‌ها می‌نمودند، وزیر کار در همین مناظره گفته بود "این نهاد قانونی بود که

بهمین وجه با مخالفت مواجه نشده و همه (اعضای شورای انقلاب) به لغو آن رای دادند". اینها نشان می‌دهد که رهبران حزب جمهوری اسلامی هم که در شورای انقلاب بودند، به همین قانون ضد کارگری رای دادند و دیگر دلیلی ندارند که مجلس هم که بیشتر از اعضا و طرفداران همین حزب تشکیل شده است با لغو سود ویژه کارگران مخالفت کند. ولی ربیبی از این پیشنهاد هدف دیگری دارد. او میداند که کارگران در رابطه با لغو سود ویژه دست به مبارزه خواهند زد، به همین دلیل میخواهد با هر سازی و عوام‌فریبی طومباران کارگران را بگیرد و آنها را به "راه‌های قانونی" یعنی "کمیسیون اقتصادی مجلس" واگذار کند.

اما کارگران به تجربه در این فتنه‌ها ندیده‌اند که همواره از طریق اعتصاب، اتحاد و همبستگی خودشان بوده که توانسته‌اند خواسته‌هایشان را از حلقوم سرمایه‌داران سرون بکنند و در اکثر موارد اعتراضاتشان از طریق قانون ساجی نرسیده و همواره از نظر "قانون" خواست - ما نشان غیرنا سوسی شناخته شده است.

همانطور که فیلا گنیم (پیکار ۶۷) مخالفت "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی" که وابسته به حزب جمهوری اسلامی و بنوعی بلندگوی آن میباشد، با لغو سود ویژه فریبی بیش نیست. مخالفت این کارکنان با لغو سود ویژه نه از موعی انقلابی بلکه بخاطر آنست که از حرکت اعتراضی و عادلانه کارگران که بلافاصله پس از اعلام قانون ضد کارگری اخیر شروع گشته استفاده کنند و از فساد رهبری مبارزات کارگران بدست عناصر آگاه و موبار زولوگری کرده و از آن وسیله‌ای برای حزب جمهوری اسلامی بسازند تا در مبارزه قدرت علیه بنی صدر آن استفاده نماید.

خود ربیبی در قسمتی از سخنانش به این مسئله اشاره می‌کند، به آن توجه کنید:

"یک مسئله دیگر خیلی کوتاه بگویم، اینکه جناب وزیر و افرادی فکر نکنند که ما... یک موضعی... در خط انحرافی... گرفته‌ایم و با وسیله‌ای برای کسب وجهه می‌خواهیم بکنیم (موصطغیری در قبضه لغو سود ویژه) ... بخواه مسئله‌ای نبوده..."

(توضیح داخل پرانتز کید از ما است)

بدیهی است که منظور از موضع انحرافی گرفتن، همان موضعی است که منظور از موضع انحرافی گرفتن، نفی میکند، ما می‌دانیم که کارگران نسبت به ما هیست دولت بریزند، و به سرمایه‌داران اطمینان می‌دهد که حرفهایش دعوی زرگری بیش نیست، حاضر مبارزکنان آشفته‌نبا شد! اینها از خودشان هستند!

منتشر شد

کتاب: **سازماندهی ترویج حزب**

کتاب: **تجارب و روش‌های تبلیغی**

کتاب: **تجارب و روش‌های تبلیغی**

کتاب: **تجارب و روش‌های تبلیغی**

تا زمانیکه ۳۵٪ بر دست‌تمزدها افزوده نشده
"سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردد!

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس آن در نیروهای سیاسی ایران

حد درونی می آورد. روزیوسسیای حزب توده سدون هیچگونه اثری در عمده با تا حصر، سرتاب اجتناب - با پدرما ره طبعی که همه ما فشا را ربا شین رشکاف در بالا می سادمودا سپرده ما ترمی افکند. حزب توده درقا سهای سنگ گرفتار شده است. ابا طیل این حزب ورشکسته وهیپا لگی ها بش در مسورد به اصلاح دستا وردهای سوسیالیسم روزیونیسها در لهستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی تکشیده و اینا س میبوا ندمتل همشه برخی واقعیتهای موجودا مروری درجا مه لهستان را کتمان کنند. در "مردم" (مورخه ۱۰ شهریور) آمده است:

سسه دولت بورژوا روزیوسیسیا ست. حزب سوده بطور منبهم ومودا ست از "عوامل معنی فراوان" سفیس میگوید آنا سطح نازل رنگی طبعه کارگر، و در رابطه ما دستمزدها و افزایش قیمتها و کمبود ما سحاح رنگی همان "عوامل معنی" میسند؟ این حزب ورشکسته برای اثبات دروغهای شا خدا رخوده ما ربا لها قبل رجوع مبد هومی گوید:

"دستمزد واقعی زحمتکار لهستان اینک دو برابر پیگره مشا به در سال ۱۳۴۰ است سنها درده مسال پیش دستمزدهای واقعی در آن کشور ۵۰ درصد افزایش یافت." (هما سحا)

- حزب ورشکسته توده ما تا قیاد اقدامات صدانقلابی طبقه حاکم لهستان و همداد بورژوا روزیونیسها ی لهستان و سوسیال امپریالیستهای روسی، مبارزات طبقه کارگر لهستان را "اخلالگری عناصر ضد سوسیالیسم" (کدام سوسیالیسم؟!) قلمداد میکند.
- رزمندگان بآرد یگره اقتضای تزلزلات روزیونیسستی و تکمین در مقابل سوسیال امپریالیسم روس روشن نمیکند که این کدامین طبقه سلط اجتماعی در لهستان است که طبقه کارگر به مبارزه بر علیه آن اقدام نموده است؟

"ادوار دگرگین (دبیرکل حزب روزیونیسست لهستان) صن اشاره به ضرورت تسریع آهنگ عادی سازی زندگی هنگامی واجتماعی گفت: "شرط عمده دستیابی به این هدف و بر طرف ساختن علل ناراضی عمومی و احیای محیط اعتماد متقابل است. وی اطلاع داد که برای ارضای نیازمندیهای موری احتمالاً ترکیب تولید تغییر خواهد کرد." (تاکیدات از پیکار) روزیونیسستها صن اعتراف بر وجود "ناراضی عمومی" نمی گویند ریشه های این ناراضی بتی درجه عواملی نهفته است؟ چرا در کشور سوسیالیستی!! لهستان بین طبقه کارگر و حزب دولتش اعتماد متقابل وجود ندا رد؟ اراضی ریشه های ناراضی عمومی وعمدم اعتماد متقابل در لهستان در چیست؟ در لهستان سوا به - داری دولتی و طبقه بورژوازی و مناسبات سرما به - داری حاکم است. حاکمیت استثماری و استثمارگرانه این طبقه سوا ستهای اقتصادی - اجتماعی فدکارگری آن عوارض اجتنابنا پذیر بی رآ ورده است که نمود های مشخص آن را میتوان در فقدان آزادی وفشار سیاسی ازیکسوا زسوی دیگر درگرا نی، تورم، پاشین بودن دستمزدها، کمبود ما سحاح عمومی، شرایط طاقت فرسای کارو... در لهستان جستجو کرد. به سبب فشار فزاینده بین عوارض است که "ناراضی" بوجود آمده و طبقه کارگر لهستان به مبارزه بر علیه بورژوازی حاکم کشیده شده و با اعتماد با ت سراسری خود، بورژوازی روزیونیسستها را به عقب نشینی واداشته است. "ناراضی عمومی" که روزیونیسستها ی حزب توده و لهستان از آن یاد میکنند در واقع ریشه در همین مناسبات استثماری گرانه و عوارض فوق الذکر دارد. حزب ورشکسته توده به نقل و با تا شیدا ز "گیرک" روزیونیسست میگوید: "ترکیب تولید تغییرخوا هدرکد."

عجبا! این ۳۰۰ هزار کارگر لهستانی سرپا نه چه انگیزه ای اکنون دست به اعتصاب زده اند؟ حزب توده با حیانت هر چه تمامتر به مزایای قیمتی ما سحاح یتدی در لهستان با سمارت دیگر نورم کمتر شدن اقتضای در این کشور تازه نمیکند. درگوزی ما نند لهستان که بورژوازی نوا سته بر آن حاکم است، افزایش قیمتها و بنا گزیر پاشین آمدن ارزش پول و در نتیجه کاهش قدرت خرید توده ها نتیجه طبیعی استقرار مناسبات سرما به داری در این کشور است و نه چیز دیگر. حزب توده که مداح سوسیال امپریالیسم و اقمار آن است و طبقه ای نادر دجزا ننگه و امعیتها را بنفع بورژوازی روزیونیسستها ی مدا انقلابی، بیبواند.

اوشکافی را که در اثر رشد و جگیری مبارزه طبقه کارگر لهستان در حزب و دولت بورژوازی روزیونیسست لهستان بوجود آمده است ز رنگی مسکوت نیکذا رد و تعویض مهره های بورژوازی در حزب و دولت را "معاف شدن" از "عضویت" قلمداد میکنند میگوید:

"در جریان این اجلاس (اجلاس کامل کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان - پیکار) ۴ تن از اعضای دفتر سیاسی از عضویت در این دفتر معاف شدند." (مردم ۶ شهریور)

بزعما بین ورشکستگان "معاف شدن" ۴ عضو دفتر سیاسی، چرا و به چه علت انجام میگیرد؟ آیا مگر غیر از این است که حزب و دولت بورژوازی لهستان در اثر فشار جنبش طبقه کارگر عقب نشینی کرد و با اتخاذ تاکتیک فریبکاری نه مقابله با این جنبش به معاف کردن او و با به عبارت دقیقتر تعویض مهره ها دست زده است؟ تعویض این مهره ها از نتایج ناگزیر بحسبان اقتصادی - اجتماعی لهستان است به معنای دیگر بورژوازی زیر فشار مبارزه طبقه کارگر و نالایه تاکتیک

اعتماد با تا کارگری لهستان، در بین رویز سوسو - نیستیای ایران، به اقتضای ما هیت ایدئولوژیک - سیاسی و طبقه ای آنها از یکسودر سین دنال سه روا ن روزیونیسستها بنا به عدم درک و شناخت صحیح از ما هیت و عملکرد بورژوازی و فدا انقلابی روزیونیسها رسوی دیگر و کنشها یی را برانگیخت. هرکدام از این سروهها بنا به بینش و مشی خود با سکوت سمودن و با ارا شه تحلیلها یی دست و پا شکسته خوا سندن خود را از ما هیت سنگی که بداند گرفتار آمده اندرها سازند.

اموضوع روزیونیسستها در قبال جنبش طبقه کارگر لهستان

حزب توده درین بست رسوا یی

حزب ورشکسته توده بعد از مدتها سکوت و بدنبال اعلام موضع رسمی اربا بش - سوسال امپریالیسم روسی - مبنی بر اینکه اعتماد با تا کارگری لهستان کار "عده - ای مد سوسیالیسم و انا ریشتها" می باشد، در روزی نامه "مردم" اش نوشت:

"تکی نیست که ما ره ای دشواریهای اقتصاد دی بند بر روزنا آرا میبایا در برخی نقاط لهستان منجر شده است که عنا صر مشکوک آن رادامین میزنسند ا سگیزه این دشواریها را فزون بر عوامل عینی فراوان در بعضی از اشنا هات سیاست اقتصادی ما بدستجو کرد." (مردم ۴ شهریور، تاکیدات از ما ست)

حزب توده همچون بنده سازی ما هر میگوید از یکسوا ما هیت ارتجاعی رژیمها یی از نوع رژیم لهستان را بیبواند و از سوی دیگر خود را از زیر بار سواالات، ابها مات و شک و تردیدها یی که در سطح جامعه ر مورده ما هیت سوسیالیستی لهستان بوجود آمده، نجات دهد. با بداز این خاشنین برسید: چرا در کشوری که شما روزیونیسستها ادعای پیروزی سوسیالیسم در آن رادار سند چنین دشواریهای اقتصاد دی بوجود آمده است؟! پس "عوامل عینی فراوان" و "بعضی اشنا هات در سوا ست اقتصاد دی" کدامند؟ اشنا هات طبقه کارگر به چه سکا م از این پرسشها پاسخ نمیدهند. حزب ورشکسته توده از یکطرف گندیگی سیستم حاکم بر لهستان را تا سطح یک - سری اشکالات تقلیل میدهد و از طرف دیگر میبوا همد اعتماد با ت عظیم ۳۰۰ هزار رنفری طبقه کارگر لهستان را زیر نظر افای های دروغین خود لاپوشانی کند. او اعصاب طبقه کارگر لهستان را "تا آرا میبایا در برخی نقاط لهستان" قلمداد میکند که "عنا صر مشکوک آن رادامین میزنند."

حزب توده همچون تمام روزیونیسستها بر ما هیت بورژوازیی حزب و دولت لهستان برده ما ترمی افکند، او با سح نمیدهد که چرا در کشور "سوسیالیستی" اش "دشواری اقتصاد دی" موجب اعتماد با چند صد هزار رنفر کارگر میگردد؟ مگر نه این است که حزب و دولت لهستان سوسیالیستی است پس چرا کارگران علیه این دولت قیام کرده اند؟ چرا طبقه کارگر لهستان با اعتماد خود رودر روی حزب و دولت خودش (؟!) ایستاده است؟ اعتماد با ت اخیر لهستان ممت دروغگویان روزیونیسست را با زکرده است: این دولت، دولت کارگران

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

واقعیات این است که ما هیت تولید در کشورهای بورژوا رویزیونیستی اروپای شرقی و شوروی بعد از حاکمیت رویزیونیستی از تولید سوسالیستی به تولید سرمایه داری تغییر یافته است. در این کشورها اقتصاد متمرکز و بیابنا مه سوسالیستی وجود ندارد. لهستان ۱۹/۴ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و هر سال ۶ میلیارد دلار بابت این بدهی با بدبپردارد.

تغییر ماهیت تولید سوسالیستی به تولید سرمایه داری بنا بر تغییر ترکیب تولیدی را بنظر دارند. کشورهای بدنیال داشته است. ترکیب کنونی تولید در کشورهای لهستان نه در جهت رفع نیازهای زندگی و فوری اجتماعی و نه در جهت گسترش، حفظ و تحکیم دستاورد های سوسالیست بلکه در جهت انهدام دستاورد های طبقه کارگر و تامین منافع طبقه بورژوازی حاکم بوده است.

رویزیونیستها از جمله حزب توده با بدبیا سخ دهند مگر بزم شما، ترکیب تولید قبل از انحصار با ت کارگری بر اساس موازین تولید سوسالیستی نبود؟ مگر طبقه ادعای شما برینا مریزی این تولید در خدمت رفع نیازهای مندیهای اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی طبقه کارگر و دیگر زحماتکنان لهستان نبود؟ اگر چنین بودا کنسون برپا چه انگیزی با بدباین ترکیب تغییر با بد و اگر چنین نبودا بین همه تبلیغات حول به اصطلاح دست آوردهای سوسالیست در لهستان چه چیزی غیر از فریب دادن طبقه کارگری تواند باشد؟

اعترافات رویزیونیستی لهستان مبنی بر تغییر ترکیب تولید خود بر روشنی بیانگران حقیقت است که آنچه که در لهستان و کشورهای شرقی نظیر آن مستقر شده، نه سوسالیسم بلکه سرمایه داری بوده است که اکنون رویزیونیستها برای مقابله با جنبش کارگری و برای فریب آنها به راه جوئی برآمده و در پی تغییر ترکیب تولیدی فعلی می باشد. حزب ورگشته توده با تا شیدا قدامات ضد انقلابی طبقه کارگر لهستان وهم صدا با بورژوا رویزیونیستی لهستانی و سوسیال امپریالیستهای روسی، مبارزات طبقه کارگر لهستان را "اخلالگری عناصر ضد سوسالیسم" (کدام سوسالیسم؟) قلمداد میکنند. حزب توده دست در دست بورژوا رویزیونیستی لهستان و تمام رویزیونیستیهای خاشن همصدا با سوسالیال امپریالیسم و امپریالیسم امریکای برضد طبقه کارگر و برای سرکوب جنس کارگری در لهستان برخاسته است.

سازمان جریکهای فدایی خلق (اکثریت): سکوت موزیانه

رویزیونیستیهای کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدایی خلق (اکثریت) تا کنون در مورد اعتمادات کارگری لهستان و نتایج حاصله از آن سکوت اختیار کرده اند. طبیعی است که سکوت موزیانه این سازمان نمیتواند مدت مدیدی ادا نماید. رهبری فدائیان (اکثریت) با لاف و دروغ و مقابله با واقعیات مبارزه طبقه در لهستان تسلیم شده و به مبارزه طبقه ای موجود در این کشور اعتراف نخواهند کرد. هم اکنون بدنیال اعتمادات اخیر کارگران لهستان انبوهی از سوالات و ابهامات در مورد ماهیت حزب و دولت حاکم بر این کشور برای توده های هوادار این سازمان بوجود آمده است رهبری سازمان جریکها (اکثریت) از برخورد روبرو با واقعیت و اقلیت موجود در لهستان می ترسد. آبا این واقعیت را "ردوگانه سوسالیستی" مورد ادعای جریکها در نظر

توده های زیر سوال نمی برد؟ آیا ما هیت بورژوازی کشورهای نظیر لهستان و ضدیت هیت حاکمان سوسیالیست طبقه کارگر بر ما بر ما نمی سازد؟ رهبری فدائیان از پاسخ به این مسائل وحشت دارند و به همین خاطر سکوت کرده اند. اما آیا این سازمان می تواند از پاسخ به صدها پرسش فرا رکند؟ کینش و خط مشی رویزیونیستی حاکم بر این سازمان چاره ای جز موضع گیری در مقابل وقایع اخیر لهستان نخواهد داشت و آنچه که برای ما مسلم است این است که رهبران رویزیونیست سازمان جریکهای فدایی (اکثریت) موضع خود را منع سوز و آوازی لهستان و علیه کارگران مبارزان کشور به حال اعلام خواهند کرد. چرا که برای دنال روان و مشاطه کارگران سوسیال امپریالیسم چاره ای جز آن وجود ندارد.



۴- مواضع نیروهای سیاسی دیگر در قبال جنبش کارگری لهستان

راه کارگر: یکی به نعل و یکی به میخ!

جنبش کارگری در لهستان علیه بورژوازی حاکم یکبار دیگر آن امکان را بوجود آورده که ایشات رویزیونیستی رفقای را "هکارگر" عیان کرده. "راه کارگر" می نویسد:

"ملت مستقیم و بلافاصله حوادث کنونی لهستان قبل از هر چیز وجود یک بوروکراسی قدرتمند است" (راه کارگر، شماره ۲۹)

این تحلیل، تحلیل همه تر و تسکین دهنده ای جهان می باشد و تسکین دهنده این اعتقاد دید که شوروی و کشورهای اروپای شرقی سوسالیستی می باشند لیکن در این کشورها بوروکراسی حاکم است. آنها بوروکراسی را بدیده ای ما فوق طبقه ای و نمودار خسته و پراکنده علیرغم این حاکمیت شیوه تولیدی در این کشورها کماکان سوسالیستی می باشد! (؟)

رفقای راه کارگر نیز به سبب گراشات رویزیونیستی خود و عدم درک پرولتری از ماهیت بورژوازی سوسیالیسم معتقدند که این کشورها کشورهای "سوسالیستی" بوده در مجموع "اردوگانه سوسالیستی" را تشکیل میدهند! راه کارگر می نویسد:

"این بوروکراسی نمی تواند خود را با منافعی کارگران و نیازهای اساسی آنان همسان کند" (همانجا)

سوال اینجاست که ماهیت طبقاتی این بوروکراسی چیست؟ این بوروکراسی در خدمت حفظ و تحکیم کدام اساسات اجتماعی و کدام منافع طبقاتی قرار دارد؟ بنظر ما بوروکراسی حاکم ناشی از حاکمیت بورژوازی در این کشور خواهد بود طبقه کارگر از آنجا که روسا مثل سولدمی باشد، اما راه کارگر در این مورد سکوت میکند. ما می گوئیم: حزب و دولت لهستان و استعرا رسماً نه داری در این کشور است اما راه کارگر در این مورد سکوت میکند. راه کارگر در این مورد می نویسد: بحران کنونی "سجده عملگر در رویزیونیستی در پناه های رهبری لهستان" می باشد. بهمان دگر رهبری در این خود پرولتری است حزب و دولت در این خود کارگری است لیکن در پناه های "عملگر در رویزیونیستی" خود دارد!

این رفتارها را بش رویزیونیسم می بردارند. آنان ما هیت رویزیونیستی حزب و دولت را با سطح "عملگر در رویزیونیستی" تقلیل میدهند و بدین ترتیب

به مشاطه گری رویزیونیستی می بردارند. آری این رفتارها به سبب گراشات رویزیونیستی خودنا توان از تحلیل بنیادی بحران در لهستان می باشند. و از گفتن اینکه این مبارزه، مبارزه بین طبقه کارگر و بورژوازی حاکم است وحشت دارند. این رفتارها بدروشن کنند که در این مبارزه از کدام طبقه علیه کدام طبقه دفاع می کنند. نمینوان با یکی به نعل و یکی به میخ از پاسخ صریح و روشن به این پرسشها ظفره رفت.

اقلیت سازمان جریکهای فدایی خلق: سکوت

در جنبش کمونیستی میهن ما، نیروهای که علیرغم مرز بندی اگرچه روشن و مبهم در مقابل سیاستهای رویزیونیستی و ارتجاعی حزب توده، با سوسیال امپریالیسم و کشورهای رویزیونیستی اروپای شرقی مرز بندی ندارند در مورد اعتمادات اخیر کارگران لهستان سکوت کرده اند. سکوت این نیروها از جمله رفقای اقلیت سازمان جریکهای فدایی خلق ناشی از تقلبات رویزیونیستی و ناشی از آشفتگی و سردرگمی آنان در شناخت ماهیت ایدئولوژیک، سیاسی و طبقاتی رویزیونیسم و چگونگی استحاله احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای شوروی و اروپای شرقی به احزاب بورژوا رویزیونیستی می باشد. مبارزات طبقه کارگر لهستان جلوه ای از وجود طبقات و مبارزه طبقه ای علیه بورژوازی در لهستان است. اعتمادات زحماتکنان این کشور نشان داد که حزب و دولت حاکم در این کشور حزب و دولتی بورژوازی و برضد طبقه کارگر و توده های زحماتکنانند. اما از این رفقای پرسیم: انگیزه این اعتمادات چه بوده است؟ بهیرو تحولات درون حزب و دولت لهستان بر چه پایه مادی صورت گرفته است؟ اسناد دیورژوا رویزیونیستیهای حاکم از کلیات و اسقفها چرا انجا گرفته است؟ اصلاً چه انگیزه ای کارگران را وادار کرده است که آنها در کشور "سوسالیستی" لهستان داشتن حق اسما برادران خواسته های خود قرار دهند؟ و...؟ رفقا ناگزیر در موضع خود را در برابر رویزیونیسم اعلام دارند. انترناسیونالیسم پرولتری حکم میکند که این رفتار نیز همبستگی و پشتیبانی خود را از مبارزه طبقه کارگر لهستان علیه بورژوازی حاکم اعلام نمایند.

رزمندگان: نه سیخ بسوزد نه کباب

رفقای رزمندگان "موضع" نه سیخ بسوزد نه کباب" را در مقابل جنبش طبقه کارگر در لهستان گرفته اند. آنها بدون آنکه از ماهیت بورژوازی و سرمایه داری حزب و دولت حاکم در لهستان و سخی به میان آورند این دولت را دولت رویزیونیستی محسوب میکنند که "سلب قدرت کارگران به حکومت رسیده است"

رفقای "رزمندگان" میگویند:

"در کشورهای نظیر شوروی و لهستان - که رویزیونیستها آنها را سوسالیست قلمداد میکنند - مدارس طبقه کارگر قدرت سیاسی خویش را از دست دادند است اینگونه حکومتها چون کارگری سببند، شدکارگردان" (صمیمه رزمندگان شماره ۲۶)

سبب حمایت خود را از خواسته های کارگران اعلام میدارد.

این رفتار در کشورهای نظیر شوروی و لهستان معط و بطور مجرد شکل ظاهری و به ماهیت طبقاتی - دولت را هدف قرار داده اند. و از همزمان با به از پاسخ به این سوال که دولتها ای جنس کشوری سرمایه کدامین اساساً با اقتصاد - اجتماعی حاکم هستند، طفره

۱۷ شهریور: نقطه عطفی در انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خفته‌های ایران

سایت را هم با حوسب جیمی خودیکا بردونا گریسد
ما سک فریگاری لیسرال سما ثی را حلی زودا رجهره
بردارد.

نظارا با ما مداد ۱۷ شهریور مردان سید (مندان
ژاله سما ثی حوسب هرجه نما منربه خون کسده شد و
هزاران نفره سا کا افتادند. موقعیت انقلابی ازهمس
زمان شروع کس: "نهر ژسم مسوا است به حکومت
ادا مهده دونه مردم مسوا استند آن حکومت را بحمل
کسد". آنچه در ۱۷ شهریور وقوع بیوست مرگ رژیم
را انلیان بودیدند. یگنا ریدگر مطلق شد که آنجه
ادا مه حکومت برپا یاران و اربانان آمریکا نشان
را عیس میکسد سرکوب است. رژیم سیمان ران گلوله
وتوب مسوا بدنا بوده ها سخن گوید. قتل عام مسورب
گرفت و یگنا ریدگر درسی سرگ به بوده های سا خا سته
داد: راهی حرفا بله به مثل نیست، راهی هرگدشتن
ار لوله ننگ برای واژگونی رژیم است به امیرا -
لسمنا ه و کس قدرت ساسی وجود ندارد. بنطه تمام
بوده ای مسلحا به یمن ما در ۱۷ شهریور سده شد.
سطفه ای گدر شد کرد، درس سار سنا بدری آموخت و در
هر دم آژمود.

اما اس درس سرگ که بوده ها فرا گرفتند، بخاطر
تو همانی که سب به "رهبران حشر" دانسد، بخاطر
آنکه جنش از حزب انقلابی سما رورهری کسده
تلبه: "رگرم روم بود، بخاطر آنکه بوده ها... سادی
کور سب به رهبران دانستند آن بحره عظم، درس
کافی سواستند گریسد.

برپا دها وسنا رهای "رهبران! مارا صلح کسد"
که بطور خود بخودی و در نتیجه خاری نظیر ۱۷ شهریور
از خلق قوم نوده ها بر محاسبت، ساح خود را از رهبران
ما زنگار، وارونه می سسد. ها سیمی رتسخانی که از
نزدیکترین افراد رهبری سواد عیارات میکد که در
براشعنا: "رهبران ما را صلح کسد" اربان رهبری
می گفته است: "حالا و عین سبب!" "نوده ها دست
خالی بسوی سانگیا هجوم مسردند و در سده شد.
لسیرا لیا که ما سک مرتب سر کرده اخلات خرومان خلق
سوا رسده بودند و خرد سورروا های مره سسی، راهی حر
مما شات و جان بردن و اسنا رگرس ارا میرا لسم
آمریکا و عا لیس بداسسد.

حتین نود که بلان فیر ما سده بود. ها برای بانودی
ار ساج و سلطفا میرا لسم و سیرا ثی رژیم جمهوری
دمکراتیک خلق بخاطر آنکه از حزب انقلابی طسده
کا رگرم خروم بودند، بخاطر آنکه رهبران سده سسی
منحده ان سورروا ری بود، سحر رسد. سک نوده های
سوه ما ان یکی سنا ریدگری کنا مسرود و سدر سسج
می فهمند که کسنا رهای عام دگروری در دوران جمهوری
انقلابی سدر کرد سنا و سزکس صحرا در انجا و آنجا
بوضوح می سوسد و ما ره ما راهی حر سسودن راه
انقلاب ولی اس سار حمانا رهری طفه ای. یا سده
آخرا انقلابی - طفه کا رگرم سبب، خون سیدان ۱۷
شهریور ما راه سنا ن داده سگرانه انقلاب فرامسواست

ارمنار را بر حسکان در چارچ محدودده سیران
(سال ۵۶) که آنرا با سدر آغا را غلای سوس انقلابی
بوده های سمدده و سلسوسی مردم داسب. رژیم ساه
مکوشیدا رطرس وعده و وعده دادن سرحی انصارا ب
حزبی وبا زگذا سنا راه حلوی لسیرا لیا، حلوی انعار
را بگریدا اما انقلاب روی عطق امنا سده بود رژیم هر
کاری میکرد، جها عمال حسرت، حساسیت "ترمس"
موردا سفا ده بوده ها فرا رمنگرف و حنسن سک سدم
سرگ به سس سمداسب. سقوط دولت مورگا روسر
سلاکرس آن، سمان سرح سنا رژیم را "شبا ها و
نار سانی ها"، حسمه شب ناری ساصلاح سنا سگسنا
مجلس سمداسس سنا سنا رطوعا ب، افراس حنوی
کارمندان... هسبک سسگی بوده های سمدده را
برای رسدن به سیروری (که در درجه اول سمام حملات
را منوجه واژگونی رژیم سلطنت و محسوطه امیرالسنسی
مکرد) مرسومی ساسد.

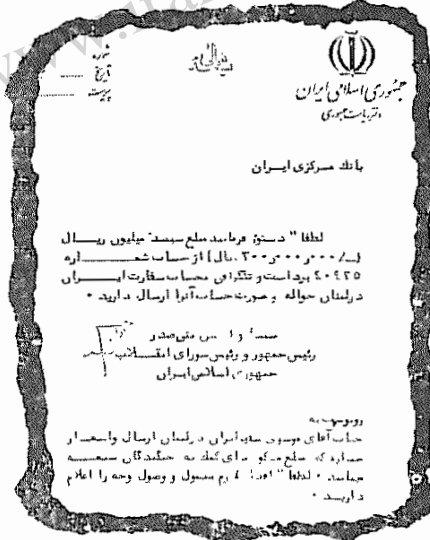
رژیم ما که ما آن رمان مرگ خود را سارکوب
سینر و ککهای کواگون ارا میرا لسم آمریکا سده
تا حیراندا خسه سده دگر به سغه سبب سسر سسد.
یکنا ریدگر سارکوب دستجمعی در دستور و سنا رگرس
سنگوبید: "آخرس دوا، داغ کردن اسنا رژیم اسس

قابل توجه کلیه رفقای سازمانی و هواداران



رفقا، دوستان، زنان آگاه و انقلابی!
رنا رحمتکش میهن ما با مبارکت فعال خود در
ساراب توده ای سالهای اخیر، حرکت سوسی را برای
سرکت فعال خود در مبارزه طبقاتی سمسنا گذاشتند،
آنجا چه در سسنا خانه سازی در چارچ محدودده وجه سدا
آن در نظرات بیژن و حوسن دوران سبه رژیم شاه
و چه در قبا میر سگوبه یمن ما هوجه سس ارا سسنا
داده اند که دوش بدوش مردان آما ده هرگونه فداکاری اند
ابن حرکات سنا نه ای از طرفت و قابلت توده های
رحمتکش و آگاه هزنان برای سرکت فعال در مساره
طبقاتی است. ظرفیت و قابلیت که مساسب ارا
چا نب کمونیستی تقویت شده و در راه رسیدن به ارا
های طبقه کارگر و بیروزی انقلاب دمکراتیک و سسد
امیرالیستی خلق یگا زگرفته شود.
سرای مسطوروی و سرای شناخت همه جا سبه از
بشده در صفحه ۴

۳۰ میلیون تومان برای امل، برای فلسطین هم



با رها گفته اس رژیم جمهوری اسلامی ایران خواستار
کک به انقلاب سون فلسطینی نیست و عسرم دعا های
گو سناش سوس، اسما ده زما فلسطین جهت سرقی
و انقلابی نشان دادن خود، ککمی به خلق فلسطین سمی
- کند، سنا رها طبق اسنا دغیر قابل انکار نشان داده
اسم که رژیم جمهوری اسلامی هم ساسد دگر رژیم سیمی
ارنجایی منطقه میکوشد از "سمد خلق فلسطین سسرای
خود کلاهی بدوزد، اسنا رانیز افشا کرده اس که تبدیل
نام "اسرا شل، دشمن مهبونیستی و اشغالگر فلسطین"
به "رژیم اشغالگر قدس" و تکرار لفظ خلق مسلمان فلسطین، هدفی
جز ترهفا فکسی و سزه زدن به خلق فلسطین ندارد، چرا
که خلق فلسطین از مسلمانان، مسلمانان و سوهود سنا
تشکل سشود، رژیم جمهوری اسلامی میخواد "انقلاب
خود را انجنین به فلسطین" ما در کند.
در سنا لیا افشا گرانده ای که سیمنا سبب "ورفسدن"
سشتر کردیم (سبکا ۶۷) سندی چا ب سمودیم که سنا ساس
آن دولت ایران ارا "اسرا شل" سلاج خرداری میکسد
و مکررا گفته اس که سنا کک سمد خلق سیرمان فلسطین
رژیم جمهوری اسلامی سولی را که از حیب مردم ما سمی
گسدر خلاف میل آسها به کسها سنا زمان ارحا عی "امل"
سرا ز سسکند تا اس سازمان سیر سسوا بدعلسه
انقلاب سون فلسطینی در سروب و سدا و سوره سیرهای
دگر لسنا سسکند. سنا زمان امل از برکت یار تی هانی
میل حمران در ایران دسرو سکا هه موزشی و حنسی
امکانا ب پلیسی و حاسوسی دا در دوران دیوتلو بیژن
و مطبوعا سنا سنا سسلیعا ب دروغ سنا از خود و سنا سده

گرامی باد یاد شهدای جمعه سیاه